دوفصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی
شماره‌ی ۷۷ و ۷۸، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۴۱ تا ۹۰

کیفرگذاری و کیفردهی در حوزه‌ی سلب آزادی در حقوق ایران و انگلستان

عبدالعلی توجهی[۱]*، حسام ابراهیم‌وند[۲]**

۱. (نویسنده‌ی مسئول)، استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شاهد
۲. دانشجوی دوره‌ی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ ـ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۶/۲۹)

چکیده

کیفر سالب آزادی یکی از شدیدترین مجازات‌هاست که ضمانت اجرای بسیاری از جرایم در حقوق انگلستان و ایران است. در حقوق انگلستان ضوابطی برای به‌کارگیری کیفر سالب آزادی وجود دارد، اما جای این ضوابط در قوانین داخلی ایران خالی است. قانونگذار ایرانی، هیچ سازوکار مشخص و مدونی برای تعیین کیفر سالب آزادی پیش‌بینی نکرده است. ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی در مرحله‌ی تقنین شامل «لزوم به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال جرایم شدید» به همراه در نظر گرفتن «ضرورت حمایت (محافظت) از عموم» و در مرحله‌ی قضا، شامل «اصل به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک» می‌شود. کیفر سالب آزادی بایستی تنها نسبت به مجرمین خطرناک، در مقابل جرایم شدید و فقط در صورت وجود ضرورت حمایت از عموم، به‌عنوان مجازات تعیین شود. ضابطه‌مند نمودن تعیین کیفر سالب آزادی در حقوق ایران، محتاج تعریف سازوکارهای تخصصیِ تعیین کیفر و تدوین قوانینی است که جایگاه کیفر سالب آزادی را در مراتب مجازات‌ها مشخص کند.

کلیدواژگان: *کیفر سالب آزادی (حبس)، ضوابط تعیین مجازات، شدت جرم، حمایت از عموم، مجرم خطرناک.*

* ***Email:*** a.tavajohi@yahoo.com
** ***Email:*** ebrahimvand2@gmail.com

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

مقدمه

کیفر سالب آزادی یکی از انواع مجازات‌ها هست که واژه معادل و پربسامدتر از آن «حبس» است. حبس، اغلب در دو معنی استعمال شده است: الف- اباحه مجانی منافع برای جهتی یا شخصی معین و یا عنوانی از عناوین (مغنیه، ۱۴۰۴ه.ق، ص ۸۶)؛ ب- زندانی کردن. حبس در فرهنگ معین به معنای زندانی کردن و بازداشتن آمده است (معین، ۱۳۸۹، ص۳۹۱). در معنای اصطلاحی، حبس چنین تعریف شده است: «سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود، به‌طوری که در آن حالت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد، آن را توقیف گویند، نه حبس» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص۲۰۸).

«حبس یا مجازات سالب آزادی -که برابر واژه لاتینIncarceration, Imprisonment, prison است- با رویکرد کیفری در اواخر قرون وسطی و آغاز دوران نوزایش وارد زرادخانه کیفری ممالک اروپایی شد و حقوق کیفری انقلاب فرانسه، به‌ویژه قانون‌نامه‌های ۱۸۰۸ و ۱۸۱۰ ناپلئون بدان رسمیت داد.» (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۲، ص۴۳) این کیفر به قصد سلب آزادی فرد مورد حکم قرار می‌گیرد.

از منظر کیفرشناختی مجازات سالب آزادی عبارت است از کیفری با اهداف: رفع احساس بی عدالتی، تشفی خاطر بزه‌دیده، طرد اجتماعی بزهکار، عبرت‌آموزی و بازدارندگی، ایجاد سازگاری اجتماعی و کاردکردهای: تعیین مرزهای میان محدودیت و آزادی، کارکرد اصلاحی، کنترل‌کننده و حفاظتی که در مکان‌های مخصوص و تحت نظارت افراد تعلیم‌دیده اجرا می‌شود.[۱]

از نقطه نظر کنترل جرم و نظم عمومی، دیدگاه جرم‌شناسی راست جدید، به حمایت از جهت‌گیری خاصی در دو حوزه‌ی مجازات و حفظ نظم پرداخته است. مفاد این جهت‌گیری عبارت است از ایجاد محدودیت و همچنین اعمال کنترل‌های جدی‌تر در خصوص جمعیت‌هایی که به نظر می‌رسد جرم‌زا[۲] باشند؛ جمعیت‌هایی که ازجمله‌ی آن‌ها می‌توان به «طبقات خطرناک»[۳] همین دوران جدید اشاره کرد. به تعبیر دقیق‌تر، دیدگاه یاد شده، تحقق عملی سیاست‌های نظام جزایی را امری

۱. اهداف حبس، انگیزه‌هایی هستند که کیفر سالب آزادی بر مبنای آن بنا نهاده شده و کارکردهای حبس آثار عملی مورد انتظار از اجرای آن است. برای اطلاعات بیشتر و توضیح هرکدام از موارد ذکر شده رجوع کنید به: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۶.

۲. Criminogenic

۳. Dangerous classes

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

مبتنی بر کنترل و اداره‌ی آن دسته از گروه‌های موجود در جامعه می‌داند که از شباهت بیشتری با طبقات فرودست برخوردارند. برای نمونه روند روزافزون مداخله، چیزی است که این دیدگاه در سه محور تعریف و تشخیص، دسته‌بندی و مهار[۱] بدان عنایت دارد؛ آن‌هم در خصوص آن دسته از گروه‌های موجود در اجتماع که ارزیابی‌های موجود از ویژگی «خطرآفرینی»[۲] و «خطرناکی»[۳] در آن‌ها حکایت دارد. (وایت، ۱۳۸۶، صص۳۱۳-۳۱۴)

نمود و ظهور رویکرد جدید به کیفرها به‌طورکلی و کیفرهای سالب آزادی به‌طور خاص را در قوانین عدالت کیفری سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ انگلستان می‌تواند دید. قسمت (b) از تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱ قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ انگلستان، کیفرهای سالب آزادی را در مواردی برای محافظت عموم از آسیب جدی بزهکار در جرایم جنسی و جرایم خشونت‌آمیز قابل اعمال می‌داند. با تصویب قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، موضوع نحوه‌ی برخورد با بزهکاران خطرناک به‌طور گسترده‌تری مورد توجه قرار گرفت. فصل پنجم از بخش ۱۲ این قانون طی مواد ۲۲۴ تا ۲۳۶ به این مقوله پرداخته و واکنش‌های گوناگون نظام عدالت کیفری انگلستان را در قبال بزهکاران خطرناک به تفصیل بیان کرده است. مواد ۲۲۵ و ۲۲۶ به‌طور خاص به کیفرهای سالب آزادی و ماده‌ی ۲۲۹ نحوه‌ی ارزیابی و سنجش میزان خطرناکی بزهکاران را مدنظر قرار داده است.

به‌هرحال یکی از نتایجی که رویکرد جدید در نظام کیفردهی انگلستان از خود برجای گذاشت، ضابطه‌مند کردن تعیین کیفر سالب آزادی است که موضوع نوشتار حاضر نیز هست. در حال حاضر مجازات سالب آزادی در رأس هرم مجازات‌های قابل اعمال در حقوق انگلستان قرار دارد و شدیدترین مجازات محسوب می‌گردد. درنتیجه شرایط تعیین این مجازات نیز دارای ویژگی‌های متمایز نسبت به سایر کیفرهای موجود در نظام کیفردهی انگلستان است.

ضابطه‌مندی تعیین کیفر سالب آزادی در نظام حقوق کیفری انگلستان، برخلاف حقوق کیفری ایران، در دو مرحله تقنین و قضا شکلی منسجم به خود گرفته است. با این توضیح که قانونگذار انگلستان از اوایل دهه‌ی نود میلادی با تصویب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ و سپس در قوانین بعدی ازجمله قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری در سال ۲۰۰۰ و قانون عدالت کیفری در سال‌های ۲۰۰۳

۱. Identifying, Classifying and Managing
۲. Risk
۳. Dangerousness

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

و ۲۰۰۵، مبنای کیفر را در مرحله‌ی تقنین، «سزاگرایی» قرار داده (محوری‌ترین اصل در سزاگرایی «اصل تناسب جرم و مجازات» می‌باشد) و سپس با دادن اختیاراتی به دادگاه‌های کیفری و با ارائه‌ی رهنمودها و دستورالعمل‌هایی از سوی دادگاه‌های استیناف و شورای تعیین مجازات، آن‌ها را مکلف نموده است که با توجه به تناسب صدمه‌ی وارده به قربانی جرم و میزان قابلیت سرزنش رفتار ارتکابی، اقدام به تعیین مجازات نمایند. نظام کیفری مذکور با رویکرد مذکور درصدد است که «در مرحله‌ی تقنین با تبعیت از معیاری واحد، یعنی اصل تناسب جرم و مجازات (اصل سزاگرایی) که تکیه بر میزان صدمه و قابل سرزنش بودن آن دارد و در مرحله‌ی اجرا، با دادن اختیاراتی به دادگاه‌ها و ارائه‌ی رهنمودهایی، به سایر اهداف کیفر نائل آید و نظام کیفردهی خود را هماهنگ و قاعده‌مند نماید.» (اسپراک، ۱۳۹۰، ص۱۳۵) متأسفانه چنین قاعده‌مندی در حقوق ایران وجود ندارند. در مورد تعیین مجازات سالب آزادی هیچ‌گونه ضابطه[1] و مقرره‌ای در قوانین ما وجود ندارد. مفاد ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲[2] نیز تنها بیانگر «اصل فردی کردن مجازات‌ها» است و این ماده بدون درنظر گرفتن یک مجازات خاص، نسبت به تمامی جرایم و تمامی مجرمین اعمال می‌شود. به عبارتی این ماده در مورد اینکه چه زمانی کیفر سالب آزادی به‌عنوان مجازات تعیین شود حکمی ندارد. همین موضوع انگیزه‌ای شد تا در این نوشتار ضوابطی را برای تعیین کیفر سالب آزادی در مرحله‌ی تقنین و قضا ارائه بدهیم.

---

۱. ضابطه، اسم مؤنث «ضابط» و به معنی قاعده، دستور، حکم، نگهداری و جمع‌آوری عواید آمده است. در معنای خاص‌تر، «حکمی کلی است که بر جزئیات منطبق می‌گردد.» بی‌ضابطه نیز به معنی بی‌ترتیب و بی‌قاعده آمده است. در تفاوت ضابطه و قاعده آمده است: «قاعده دارای فروعی از ابواب مختلف است، ولی ضابطه به‌جز یک باب، فروعی دیگر ندارد.» (در فرهنگ فارسی معین نیز ضابطه به معنی قاعده و دستور آمده است. رجوع کنید به دیکشنری (فرهنگ لغات) آنلاین آبادیس؛ به آدرس:

http://www.dic.abadis.net

اثر ضابطه، قاعده‌مندی و نظم و ترتیب دادن است. هنگامی که از ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی سخن می‌گوییم، منظور ارائه قواعد و احکامی کلی است که بر جزئیات تعیین کیفر سالب آزادی منطبق می‌گردد و باعث هدفمندی، قاعده‌مندی و نظم و ترتیب دادن به کیفر سالب آزادی می‌گردد.

۲. «ماده ۱۸- ... دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.»

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

هرچند این ضوابط با توجه به حقوق انگلستان ارائه شده‌اند اما دارای تفاوت‌های اساسی با یکدیگر بوده و سعی شده است طی یک نظریه‌ی جداگانه ضوابطی منطبق با قانون مجازات اسلامی جدید، در دو مرحله‌ی تقنین و قضا پیشنهاد شود تا در نهایت، در فصل «نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها»[1] در قانون مجازات اسلامی جدید یا در قوانین مربوط به اجرای احکام کیفری گنجانده شود.

۱. تحلیل تاریخی ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی

در مورد زندان و شیوه‌های نگهداری زندانیان پیشینه‌ای به درازای تاریخ حقوق کیفری بشر وجود دارد. در این مبحث ما به دنبال بررسی پیشینه زندان نیستیم بلکه به فراخور بحث خود تنها به دنبال ردپای ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی در پیشینه‌ی تاریخی نظام حقوقی انگلستان و ایران هستیم.

برخلاف زندان، حبس به‌عنوان مجازات جرایم، آن‌چنان باستانی نیست. کیفر سالب آزادی در دو قرن اخیر تبدیل به شاه‌کلید مبارزه با مجرمین شده است. بررسی این پیشینه از این جهت لازم است که به‌خوبی بیان‌گر تغییر نامناسب نحوه‌ی استفاده از حبس در دستگاه قضایی است. به عبارتی، در مقام اثبات تحریف کارکرد حبس و اثبات لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی و بازگشت به تحدید صدور حکم به حبس، از تحلیل تاریخی ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی به‌عنوان دلیل بهره جسته‌ایم.

در غرب و همچنین انگلستان تا قبل از قرن دوازدهم نمی‌توان از ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی سخن گفت و نگهداری برخی افراد در مکانی مقفّل به‌نام زندان را نمی‌توان کیفر سالب آزادی در نظر گرفت. هرچند برای نگهداری‌های مذکور به‌طور جداگانه می‌توان ضابطه‌هایی را استخراج کرد که جهت جلوگیری از اطاله کلام از بیان آن‌ها در می‌گذریم.

همچنین «قاعده‌ای که اولپین[2]، حقوقدان رومی ایجاد کرد و بنابرآن *«زندان باید مکانی برای نگهداری باشد و نه مجازات»* توسط رالگابراتون[3] حقوقدان برجسته انگلستان مورد تضمین و تأیید

---

۱. ماده ۲۷ تا ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱

۲. Ulppine

۳. RaleghBrotton

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

قرار گرفت و به‌نظر می‌رسد قاعده‌ی *«زندان برای نگهداری است»* در انگلستان تا دوران براتون قابل اعمال باشد.» (O.F.Robinson, 1985, pp. 118-119) ولی «از دهه ۱۲۶۰ و پس از آن، تعداد زندان‌های انگلستان و جرم‌هایی که منجر به حبس می‌شد به شدت افزایش یافت. تا سال ۱۵۲۰، یک‌صد و هشتاد مجازات که کیفر حبس را در پی داشت در حقوق کامن‌لا به‌وجود آمد.» (ibid, p. 120). با مقایسه‌ی این جرایم با یکدیگر و یافتن شباهت‌ها، ویژگی‌ها و آثار این جرایم- جدای از مرتکب آن‌ها- و نیز با توجه به اهداف برشمرده شده برای مجازات حبس در دوره‌های مختلف، همچون قرن سیزدهم و پانزدهم، می‌توان به استخراج ضابطه و به‌نوعی ضابطه‌تراشی برای به‌کارگیری کیفر حبس در پیشینه نظام حقوقی انگلستان پرداخت. حتی می‌توان برای برخی از پاره‌های زمانی، مانند قرن یازدهم و قبل از آن، بی‌ضابطه بودن تعیین این نوع مجازات را استنتاج نمود.

یافتن ضابطه برای تعیین کیفر سالب آزادی در تاریخ جرایم و مجازات‌های ایران بسیار مشکل‌تر می‌باشد. چه‌بسا در زمان کنونی نیز به‌سختی می‌توان ضابطه‌ای به‌دست داد! با این حال در دوره‌هایی می‌توان بین موارد استفاده از حبس اشتراکاتی را شناسایی کرد. اولین مدارک مربوط به حبس کردن افراد در تاریخ ایران قبل از اسلام به دوره‌ی ساسانی مربوط می‌شود. در آن دوران بزرگان و شاهزادگانی که علیه شاه مرتکب خیانت می‌شده‌اند و یا سودای تاج و تخت در سر می‌پروراندند، به مکانی که «قلعه فراموشی» نام داشته و برخی از آن به «باستیل» تعبیر نموده‌اند؛ فرستاده می‌شدند. وجه تسمیه قلعه مذکور نیز آن بوده است که کسی حق نداشته در حضور شاه نام کسانی را ببرد که به آنجا فرستاده شده‌اند! لذا و با توجه به اینکه هیچ از محققین اشاره به حبس‌های مدت‌دار، به‌عنوان وسیله‌ی اجرای کیفر، ننموده‌اند؛ باید گفت که در ایران قبل از اسلام جز در مورد مدعیان تاج و تخت که ممکن است به‌جای اعدام فوری و بی‌سروصدا به قلعه فراموشی گسیل شوند، محبوس کردن مجرمان عادی حداکثر برای چند روز تا تحویل آنان به قاضی جهت محاکمه، مرسوم بوده است[1]. اگر بتوان نگهداری مرتکبین خیانت نسبت به شاه در قلعه فراموشی را مجازات حبس دانست، ضابطه به‌کارگیری حبس در این دوره، استفاده برای مدعیان تاج و تختی است که به دلایلی با ترحم

۱. ر.ک: راوندی، مرتضی، پیشین، ص ۷۱۰.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

شاه از اعدام آن‌ها صرف‌نظر شده است. به‌عبارتی حبس یک مجازات تخفیف یافته برای جرمی بزرگ به نام خیانت به شاه بود.[۱]

در انگلستان نیز، مشابه قلعه فراموشی در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم وجود داشت. با این تفاوت که در اینجا حبس به‌عنوان کیفر جرایم نمود بیشتری دارد. در آن سال‌ها جرایمی پدیدار گشت که مجازات آن‌ها حبس در زندان‌ها یا برج‌ها بوده است. «حبس مذکور برای افرادی بود که به‌نحوی در امور حقوقی مداخله‌ی مجرمانه داشتند، نظیر: استیناف خواهان خاطی، اعضای مقصر هیئت‌منصفه، شهود کاذب و کسانی که اطلاعات نادرستی در اختیار دادگاه قرار می‌دادند.» (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۲، ص۷۸) به‌عبارتی، حبس به‌عنوان کیفر جرایم، در این زمان برای جرایم علیه عدالت قضایی به‌کار گرفته می‌شد. هرچند که این موارد اولین مجازات‌های قانونی از نوع سالب آزادی بودند؛ اما در این زمان نیز از زندان و حبس اغلب برای بدهکاران به دولت شاهنشاهی و اجبار آنان به تأدیه بدهی استفاده می‌گشت.[۲] در این دوره‌ها ضابطه‌مندی تعیین کیفر سالب آزادی در قالب اصول و قواعد تعیین کیفر نبوده است، بلکه استفاده از کیفر حبس در قبال دسته‌ای خاص از جرایم بوده است که شباهت‌ها و آثار یکسانی داشته‌اند. در مورد جرایم خارج از این دسته‌ها اسناد و مدارک تاریخی خاصی وجود ندارد و در هر دوره، ضمانت اجرای کیفر سالب آزادی به سمت دسته‌ای خاص از مجازات‌ها متمایل می‌گشت.

ناگفته نماید که «مطالعه حکایت‌های تاریخی مربوط به جنگ‌های داخلی سال‌های ۱۱۳۵ تا ۱۱۵۴ میلادی، استفاده از حبس برای مجرمان سیاسی (خیانت و اقدام علیه حکومت) را نشان می‌دهد.» (Spierenburg, Pieter, 1984, pp. 88) این امر نشانگر ضابطه‌مندی تعیین کیفر سالب آزادی در قبال جرایم سیاسی است؛ اما به‌نظر می‌رسد که این نوع استفاده از حبس را نیز بیشتر اقدامات سیاسی می‌توان نامید تا اعمال مجازات از سوی دستگاه عدالت کیفری.

همان‌گونه که گذشت تا سال ۱۵۲۰ میلادی ۱۸۰ جرم که کیفر حبس را در پی داشت در حقوق کامن‌لا به‌وجود آمد. نگاه به این جرایم نشان می‌دهد که جرایم نوظهور در حقوق کیفری انگلستان،

---

۱. برخی دیگر نیز بر این باورند که گویا زندان برای اولین بار در زمان خسرو پرویز در ایران به‌طور گسترده رایج شد که از آن هم نه به‌عنوان مجازات، بلکه به‌مثابه‌ی یک اقدام تأمینی بود که مجرم در حبس نگه‌داشته می‌شد تا توبه کند که در غیر این صورت مجازات اصلی که معمولاً مجازات بدنی یا اعدام بود درباره‌ی وی اجرا می‌شد. (ر.ک: رضی، هاشم، وندیداد، جلد ۳، ۱۴۸۸، ص ۹.)

۲. استفاده اخیر از حبس (حبس مدیون تا تأدیه دین) مشابه کارکرد غالب حبس در فقه اسلامی است.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

اغلب با کیفر حبس مجازات می‌شده‌اند. «برخی از این جرایم نوین عبارت بودند از: ولگردی، نقض صلح، اشتهار به فسق، حمل غیرقانونی اسلحه، جرم‌های اخلاقی و اعمالی شبیه آن.» (موریس، نوروال و داوید جی روتمن، ۱۳۹۰، ص۷۹)

«در ربع دوم قرن هیجدهم، کمتر از یک‌دهم مجرمان به حبس محکوم می‌شدند. ولی از آن زمان به بعد، با وجود احیای کیفرهای دیگر، استفاده از مجازات حبس، سیر صعودی به خود گرفت. در دهه‌ی ۱۷۹۰، حبس، مجازات دوسوم جرایم را تا اواخر قرن ۱۹ شامل می‌شد.» (همان، صص۱۴۶ و ۱۴۷) بدین‌ترتیب مجازات حبس در انگلستان تا اواخر قرون جدید تثبیت شد.[۱] در این دوران وضعیت زندان‌ها بسیار وخیم و دردناک بوده است و قضات و قانونگذاران از حبس نهایت استفاده را می‌کرده‌اند. چنان‌که گویی ضابطه‌ی به‌کارگیری حبس در این دوران، اصل بر حبس بودنِ کیفر جرایم بوده است!

اما به‌تدریج با اصلاح وضع زندان‌ها و توجه به آثار و اهداف مجازات‌ها و پیشرفت حقوق کیفری استفاده از حبس محدود گردید. ویژگی اواخر قرن نوزدهم، دگرگونی عمیق در خط و مشی اعمال کیفرهاست. در میان افکار عمومی کیفر حبس به‌تدریج جایگاهش را به‌عنوان یک ضمانت اجرای کیفری برتر از دست داد. با ارزش یافتن بیشتر آزادی، مجازات حبس به‌عنوان یکی از سنگین‌ترین مجازات‌ها شناخته شد.[۲] عواملی همچون شکست برنامه‌های اصلاح مجرمان در زندان و هزینه‌بر بودن نگهداری زندان‌ها و ... باعث گردید که در دهه‌های اخیر توجه بیشتری به ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی شود و به‌صورت دقیق‌تر و صریح‌تر، این ضوابط پای به مواد قانونی و قوانین جزایی انگلستان نهند. در بخش‌های بعدی به مطالعه دقیق این ضوابط خواهیم پرداخت.

هرچند در ایران بعد از اسلام زندان به‌عنوان مجازات مطرح نبوده است، اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که از زندان (به عبارت دقیق‌تر سیاه‌چال) به‌عنوان محل نگهداری مخالفان سیاسی استفاده می‌شده است. البته این کارکرد از حبس در قبل از اسلام نیز وجود داشته است. نخستین زندان سیاسی در تاریخ ایران به دست حکومت ساسانی و در حدود ۲۳۰ میلادی در محلی در خوزستان ایجاد شد.

---

۱. برای مطالعه وضعیت ویژگی‌های کیفر حبس در قرون جدید در انگلستان و پس از این دوران ر.ک:
M.C Conville, Sean, The Victorian Prison, Inoxfor History of Prison, P.P.117-118 and P.P.121-122.

۲. برای مطالعه در خصوص ارزش کیفری حبس ر.ک: فرجیها، محمد و مهرانگیز روستایی، رویکرد تطبیقی به روابط میان ارزش نیروی کار و نظام کیفری، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۹۷-۱۱۶.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

(وهومن، ۱۳۸۶، صص۲۴-۲۵) در دوران ایران بعد از اسلام، به لحاظ فقدان قوانین مدون، امکان شناسایی ضابطه تعیین کیفر حبس (جز در خصوص مخالفین سیاسی) وجود ندارد. به دلیل مدون بودن متون فقهی که حاوی مجازات حبس به‌عنوان کیفر برخی از اعمال می‌باشند، برای یافتن ضابطه برای تعیین کیفر سالب آزادی در این دوران، به بررسی حبس در منابع فقهی می‌پردازیم.

در قرآن کریم و از دیدگاه فقهای امامیه، زندان به‌عنوان یک مجازات شرعی، جز در موارد استثنائی (ازجمله برای سارقی که چند بار سرقت کرده و زن مرتد) جایگاهی ندارد و از منظر قرآن کریم از ابزارهای به‌کاربرده شده از سوی حکومت‌های جور برای دفع مخالفان سیاسی و یا وادار کردن آنان به انقیاد است. زندان در قرآن با عبارات «سجن»، «حبس»، «حصر»، «امساک» و احیاناً «نفی» آمده است. از پنج واژه یادشده، سجن و مشتقات آن دقیقاً در زندان متعارف ظهور دارد اما سایر واژه‌ها اگرچه دلالت بر نوعی محدودیت، تضییق و تنگ گرفتن دارند، در زندان متعارف متعین نیستند و اعم از آن هستند و با عنایت به قراین موجود در آیات مربوطه، برخی از آیات مشتمل بر واژه‌های اخیر هیچ دلالتی بر زندان یا دیگر انواع تضییق مورد بحث ندارد. (کدیور، ۱۳۷۹، ص۶۱) از آیات و روایات موجود نیز چنین استنباط می‌شود که حبس به‌عنوان بازداشت موقت مرسوم بوده و تجویز شده است.[۱]

بررسی متون فقهی (الطبسی، ۱۴۱۶ ق، ص۲۳۰-۲۳۹) نشان می‌دهد که کیفر این افراد حبس ابد است: «الف-کسی که فردی را نگه داشته و دیگری او را کشته است (ممسک)؛ ب- کسی که فرمان به قتل دیگری داده و مأمور، او را کشته است. مباشر در قتل نیز قصاص می‌شود؛ حتی بنابر نظر مشهور اگر بر قتل اکراه شده باشد؛ ج-کسی که دو بار حد سرقت بر او جاری شده و برای بار سوم دزدی کرده است؛ د- زن مرتد در صورتی که از ارتداد خود توبه نکند». البته در فقه اهل سنت، برخی مجازات محارب را نیز حبس دانسته‌اند. (عوده، ۱۳۷۸ ق، ص۱۰۸)

نتیجه اینکه در فقه امامیه، تنها در سه مورد حبس به‌عنوان مجازات ذکر شده است. وجه تشابه در هر سه مورد، حبس ابد بودن آن‌ها است. به عبارتی در فقه امامیه حبس غیر مؤبد شناسایی نشده است و تنها در مورد تعزیرات که در دست حاکم است می‌توان احتمال به‌کارگیری حبس را شناسایی

۱. از جمله نگاه کنید به آیه‌ی ۱۰۶ سوره مائده و نیز روایتی از امام صادق مبنی بر اینکه: «انّ النبی یحبس فیتهمهٔ الدم بِستّهِ ایّامٍ فَانجاء اولیاء المقتول بِبّینَهٍ و الّا خَلّی سبیله» اشاره کرد. ر.ک:سنگلجی، محمد، آیین دادرسی دراسلام، به کوشش محمدرضا بندرچی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، صص ۹۴-۹۵.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

کرد که در مورد این اختیار حاکم نیز اختلاف‌هایی، حتی در میان فقهای متأخر، وجود دارد. اما ضابطه‌ای که در میان سه مورد وجود دارد به شرح زیر است:

شارع از حبس ابد زمانی استفاده کرده است که مرتکب جرم نه آن‌چنان است که مستحق کشته شدن باشد و نه آن‌چنان است که حد قطع یا تازیانه که نهایت آن صد ضربه است، درخور عمل او باشد. به‌عبارتی حبس ابد مجازات سنگینی است که در مرتبه‌ی قبل از سلب حیات قرار دارد. مرحله‌ی اعمال آن در مجازات سرقت حدی نیز بیانگر این موضوع است.

ضابطه دیگر این مجازات‌ها از کارکرد حبس ابد که دور نگه‌داشتن از جامعه به‌طور دایم می‌باشد، برمی‌آید. با این توضیح که کسی که فرمان قتل دیگری را صادر می‌کند و کسی که امساک در قتل می‌نماید و عمل او بی‌شباهت به خود قاتل نیست، آن‌چنان حیات یک انسان را به سخره گرفته و سبک شمرده‌اند که امکان ادامه‌ی حضور آنان در جامعه هرآینه خطری بالقوه برای جامعه است؛ اما آن‌چنان نیست که سزاوار سلب حیات باشند؛ بنابراین به‌طور دایم حبس می‌شوند. فردی نیز که پس از قطع دست راست و پای چپ خود برای بار سوم دست به سرقت حدی بزند، گویی سارقی قسم‌خورده می‌باشد و خطری است که باید جامعه از آن مصون بماند؛ اما چون او نیز هنوز مستحق سلب حیات نیست به‌صورت حبس دایم از جامعه طرد می‌شود.

در هر سه موارد ذکر شده، قریب به یقین با یک مجرم خطرناک روبه‌رو هستیم. آن‌چنان‌که در بخش‌های بعدی شرح خواهیم داد، خطرناک بودن مجرم نیز یکی از ضوابطی خواهد بود که در به‌کارگیری کیفر سالب آزادی مناسب می‌دانیم.

۲. ضرورت استفاده محدود از مجازات حبس

از نتایج ضابطه‌مندی تعیین کیفر سالب آزادی، تحدید استفاده از آن است. این تحدید، علاوه بر اثر محسوب شدن، خود مبنایی جهت ضابطه‌مندی حبس است. از نظر ما، ضرورت استفاده‌ی محدود از کیفر سالب آزادی، اصلی است که هم ریشه‌ی فقهی داشته و هم ضرورت تاریخی و فلسفی آن را ایجاب می‌کند.

در اسلام یکی از مبناهای اصلی کیفر عبارت است از «جلب مصلحت برای آدمیان و دفع مفسده از آنان» (عوده، ۱۳۷۸ ق، ص۳۳۴)؛ چه شده است که امروزه، کیفر سالب آزادی از این مبنا به دور افتاده

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

است؟ آیا در شرایط کنونی، اجرای بی‌رویه‌ی کیفر سالب آزادی در قبال ریز و درشت‌ترین جرایم، توانسته است عدالت را تحقق ببخشد؟

۲-۱. استفاده از حبس در مقام ضرورت در فقه کیفری اسلام (ضرورت فقهی استفاده‌ی محدود از کیفر سالب آزادی)

زندان در اندیشه‌ی دینی عموماً یک مجازات اصلی محسوب نمی‌شود؛ بلکه «به‌عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تأمینی و تربیتی است و بیشتر جنبه‌ی اصلاح، بازدارندگی و پیشگیری از وقوع مجدد جرم را دارد. در مواردی نیز که حبس به‌عنوان مجازات به‌کار رفته است به‌عنوان یک ضرورت مطرح بوده و اساساً با منطق اسلام که سعی در پرورش روحی و روانی افراد جامعه دارد، همخوانی ندارد.» (خلیلی، ۱۳۸۵، ص۶۹) این ضرورت نیز همانا دورکردن مجرم از جامعه بنابر مصلحتی خاص می‌باشد. استاد عبدالقادر عوده نیز در این‌باره با ما هم‌عقیده بوده. وی عقیده به‌کارگیری حبس به اندازه‌ای بسیار محدود دارند. (عوده، ۱۳۷۸ ق، ص۳۳۲) به‌نظر ما نیز همین موارد محدود حبس غیردایم نیز بایستی توجیه شده به‌وسیله‌ی ضرورت‌هایی باشد که ضوابط به‌کارگیری کیفر سالب آزادی که در این نوشتار ارائه خواهیم کرد، نیز بر مبنای آن ضرورت‌ها تبیین می‌شود.

بدین‌ترتیب، کارکردگرایی حبس به‌عنوان وسیله‌ای جهت دور نگه‌داشتن خطر برخی افراد از جامعه در نظام فقهی اسلام به‌خوبی مشاهده می‌شود. البته نباید دور از نظر داشت که جنبه‌ی طردکردن مجرم از جامعه، تنها کارکرد حبس از منظر اسلام نیست، بلکه رویکرد اصلاحی نسبت به مجرمان همیشه در مجازات‌های اسلامی مدنظر بوده است. تأسیس دو زندان به نام‌های «نافع» و «مخیس» توسط امیرالمؤمنین (ع) بر مبنای همین اندیشه دینی و اصلاح مجرمان بوده است. با این حال امام علی (ع) از زندان در موارد محدود استفاده می‌نمود، به‌طوری که گفته می‌شود «در زمان شهادت ایشان در سراسر مملکت اسلامی فقط یک زندانی وجود داشت که آن هم ابن‌ملجم مرادی بود که بر اساس سفارش امام علی (ع) در شرایط کاملاً انسانی محافظت می‌شد.» (خلیلی، ۱۳۸۵، ص۶۹).

آیت‌الله شاهرودی نیز «به‌کارگیری زندان در سطح وسیع را، کپی‌برداری از غرب دانسته و به‌کاربردن و دادن حکم زندان را در بسیاری از موارد که امکان جایگزین مناسب برای آن وجود دارد، با فلسفه مجازات‌ها و کیفرها در اسلام ناسازگار می‌داند.» (پورهاشمی، ۱۳۸۳، ص۱۴۰) علاوه بر این رویکرد فقهی و اسلامی، ضرورت استفاده محدود از کیفر سالب آزادی را در یک بستر تاریخی

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

و اجتماعی و بر مبنای آثار زیان‌بار کیفر سالب آزادی برای مجرم و جامعه، نیز می‌توان ترسیم نمود. در ادامه این رویکرد را تشریح خواهیم کرد.

۲-۲. ضرورت اجتماعی و تاریخی استفاده محدود از کیفر سالب آزادی

علت اصلی بها دادن به مجازات سالب آزادی در عصر روشنگری غرب، پیشنهاد جایگزین کردن آن با مجازات‌های تعذیبی و ترذیلی موجود در آن زمان بود. به‌عبارتی، مشروع دانستن مجازات حبس به جهت پناه بردن به آن از شر کیفرهای مرسوم آن دوره بوده است. در آن زمان تنبیه بدن مجرم یکی از اهداف مهم مجازات بوده است. به‌تعبیر میشل فوکو: «بدن محکومان دارایی شاه بود که وی داغ و نشان خود را بر آن می‌زد و آثار قدرتش را بر آن می‌کوبید...» (فوکو، ۱۳۹۱، ص۱۳۸).

مارک آنسل[۱] که به پایه‌گذار مکتب دفاع اجتماعی نوین معروف است ضمن اشاره به این مهم که «سلب آزادی از محکومان رفته‌رفته خاصیت ترهیبی خود را از دست داده است و زندان دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است یعنی به منظور آن ایجاد شده است، ارائه نمی‌دهد یعنی نه فقط ندامت مجرم را در بر ندارد بلکه در عمل به یک مدرسه تکرار جرم تبدیل شده است» می‌نویسد: «تردید نیست که در حال حاضر نمی‌توان با وضع یک ماده قانونی و با یک اشاره قلم، همان‌گونه که در مورد اجرای مجازات اعدام (در فرانسه) عمل شد مجازات زندان را نیز ملغی کرد؛ اما می‌توان آن را از حالت یک ضمانت اجرای عادی و یکنواخت خارج کرده و به صورت مجازاتی استثنایی که فقط در شدیدترین و محدودترین جرایم قابل اجراست درآورد.» (آنسل، ۱۳۷۵، ص۵۴).

استفاده از زندان، در موارد استثنایی و در مورد بزهکاران خاص درواقع پاسخی است به آن دسته از طرفداران مجازات زندان که به دنبال راه‌حلی برای مقابله با بزهکاران خطرناک و مکررین جرم در جامعه هستند. استفاده از زندان به‌عنوان «آخرین حربه» و توسل به مجازات‌های اجتماعی جایگزین در سطح گسترده نه فقط امنیت جامعه را تضمین می‌کند، بلکه ضمن رعایت الزامات ناظر به حقوق بشر و کرامت انسانی، هزینه‌ی عدالت کیفری را به نحو چشمگیری کاهش می‌دهد.

۱. Ancel. M.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

۳. لزوم تعیین کیفر سالب آزادی بر مبنای اصل تناسب جرم و مجازات

چنانچه گذشت، قانونگذار انگلستان از اوایل دهه‌ی نود میلادی، مبنای تعیین کیفر سالب آزادی را در مرحله تقنین، «سزاگرایی» که درون‌مایه‌ی آن، «اصل تناسب جرم و مجازات» می‌باشد، قرار داده است. «اصل تناسب جرم و مجازات، به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر تعیین مجازات‌ها، اهمیت بسیار زیادی در نظر فلاسفه کیفری دارد. علت اصلی این امر را باید گسترش رویکردهای مکافات-گرایانه در فلسفه مجازات دانست.» (یزدیان جعفری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹). از نظر ما، اصل تناسب جرم و مجازات به معنی *تناسب بین آثار جرم و آثار مجازات* است. در این تناسب منظور از آثار جرم، آثار وارده بر قربانی و یا آثار وارده بر پیکر عدالت نیست؛ بلکه آثار وارده بر جامعه است. منظور از آثار مجازات نیز، آثار مجازات بر جامعه، سوای از آثار مجازات بر مجرم و قربانی جرم و تکدر خاطر فرشته‌ی عدالت است و صد البته همین آثار جرم است که در مقوله جرم‌انگاری نیز نقش اساسی را ایفا می‌کند.

باید پذیرفت که منظور از ایجاد تناسب یک تناسب نسبی و معقول است و همان‌گونه که پروفسور اشورث[1] می‌گوید: «تناسب بین جرم و مجازات به‌معنای یک تناسب قطعی و دقیق ریاضی نیست؛ مطلب این است که عدم امکان رعایت کامل تناسب نباید باعث شود کل تناسب را رها کنیم؛ بلکه همچنان باید به‌دنبال تناسب بود و در عین حال محدودیت‌های آن را پذیرفت، چرا که هیچ نظامی از مجازات وجود ندارد که کامل و بی‌نقص باشد.» (Ashworth, 2003, p. 380)

بکاریا نیز در مورد تناسب نسبی و معقول مدنظر ما می‌گوید: «اگرچه نمی‌توان بین ترکیبات بی‌نهایت اعمال انسان، محاسبه‌ای هندسی را به‌کار برد؛ اما قانونگذار خردمند را همین بس که تقسیمات اساسی را معین کند و مراقب باشد برای جرایم درجه اول، مجازات‌های درجه آخر اختصاص ندهد.» (بکاریا، ۱۳۷۴، ص۱۰۶)

۳-۱. جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در تعیین کیفر سالب آزادی

در تعیین مجازات سالب آزادی نیز بایستی اصل تناسب جرم و مجازات رعایت گردد. اما برقرار کردن تناسب بین جرمی خاص و مجازات سالب آزادی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است.

---

۱. Ashworth

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

اصولاً حبس مجازاتی شدید محسوب می‌گردد[۱] و در نتیجه در قبال جرایم شدید قابل اعمال خواهد بود. در نظام عدالت کیفری انگلستان همین رویه اتخاذ شده است. تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱ در این راستا، در قسمت (a) خود، اختیارات دادگاه جزا و دادگاه‌های صلح را در ارتباط با تعیین یک مجازات سالب آزادی به موردی محدود می‌کند که:

«... جرم ارتکابی، یا ترکیبی از جرم و یک جرم دیگر همراه آن، آن‌چنان «شدید» بوده که تنها چنین مجازاتی برای جرم بتواند توجیه شود.»

تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۵۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ نیز مضمونی به همین عبارت دارد. ماده‌ی ۷۶ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۲۰۰۰ برای تعیین مجازات حبس یکی از دو توجیه ذیل را لازم می‌شمارد:

۱- جرم آن‌چنان شدید[۲] باشد که تنها با مجازات حبس توجیه شود؛

۲- جرم، از نوع خشن یا جنسی[۳] باشد و تنها، مجازات حبس برای صیانت جامعه از خطرات احتمالی مجرم مناسب باشد.

همان‌طور که دیده می‌شود در حقوق انگلستان برای برقراری تناسب بین جرم و مجازات حبس، از حلقه‌ی واسطه‌ای به‌نام شدت جرم استفاده شده است. علت این امر آن است که مجازات حبس در این نظام حقوقی مجازاتی شدید تلقی می‌شود. در تعیین این مجازات برای جرایم شدید حمایت از عموم نیز مدنظر قرارگرفته است. زیرا با توجه به کارکرد حبس که محروم کردن فرد از حضور در جامعه است، خطرناک بودن مرتکب جرایم شدید به‌عنوان مفروض قرار داده شده است تا تناسب ایجاد شده بین جرم شدید و مجازات سالب آزادی به نحو مؤثر و مفیدی تکمیل گردد. متأسفانه همین مقدار ضابطه نیز در حقوق ایران وجود ندارد. هرچند در مقام اعمال کیفیات مخففه (ماده ۷۲۸ ق.م.ا ۱۳۷۵ و ماده ۳۷ ق.م.ا ۱۳۹۲)، تعویق صدور حکم (ماده ۴۰ ق.م.ا ۱۳۹۲)، الزام به اجرای دستورات دادگاه در زمان آزادی مشروط (ماده ۶۰ ق.م.ا ۱۳۹۲) و صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس (ماده ۶۴ ق.م.ا ۱۳۹۲) لزوم رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات و اصل شخصی

۱. مؤید این دیدگاه در حقوق ایران، تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۳۷۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۹ اداره حقوقی قوه قضائیه و رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور است.

۲. So serious

۳. A violent or sexual offence

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

کردن مجازات‌ها با ذکر عباراتی همچون: «ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم، ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال» انشاء شده است؛ اما در مورد اینکه چه زمانی دادگاه اختیار صدور حکم به حبس را دارد هیچ‌گونه نصی در قانون وجود ندارد. حتی، در ماده ۳۷ ق.م.ا ۱۳۹۲آمده است: «درصورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به‌شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه..»

ظاهر این ماده حاکی از آن است که مجازات حبس تنها قابل تقلیل به میزان سه درجه است و برخلاف اختیار دادگاه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، قابل تبدیل به مجازاتی دیگر نیست. این بند از ماده ۳۷، نه‌تنها از ضابطه‌مندی کیفر سالب آزادی به دور است، بلکه مانعی بر سر راه ضابطه‌مند کردن کیفردهی این مجازات است.

علاوه بر موارد مذکور در حقوق انگلستان، «شیوه‌ای که در آن دادگاه استیناف از مفهوم «شدت جرم»[۱] ارائه داده است، به قاضی اجازه می‌دهد که «ارعاب»[۲] را در تعیین کیفر مورد توجه قرار دهد. به‌طور کلی، شرط تناسب مانع توجه دادگاه به اصلاح[۳] مجرم نخواهد بود.» (Sprack, 2008, p. 402) نتیجه اینکه، در تعیین کیفر سالب آزادی رعایت اصل تناسب جرم و مجازات در کنار نگاهی کارکردگرایانه به مجازات سالب آزادی لازم است. رعایت این اصول در هر دو مرحله‌ی تقنین و قضا ضروری است. با این توضیح که کیفردهی (کیفرگذاری[۴]) یک فرایند دو مرحله‌ای است.

---

۱. Offence seriousness

۲. Deterrence

۳. Rehabilitation

۴. گذاشتن معانی مختلفی دارد که معروف‌ترین آن‌ها در زبان فارسی، «نهادن چیزی در جایی»، «هشتن» و معادل کلمه «وضع» عربی است. معنای مشهور دیگر آن، رخصت دادن و اجازه دادن است. گذاشتن در معنای حقیقی کلمه «قرار دادن به طور عینی و مشهود» است. اما گذاشتن در معنای مجازی به معنای «قرار دادن، وضع کردن، تأسیس کردن» است. (رجوع کنید به: نجفی، ابوالحسن، غلط ننویسیم، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱، ذیل گذاشتن/گزاردن.) کیفر نیز، به معنای مجازات و ضمانت اجرای جرایم می‌باشد که از سوی قانونگذار و در قالب قانون تعیین می‌شود. بنابراین، کیفرگذاری «وضع ضمانت اجرا در مقابل جرم از سوی قانونگذار است.»

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

هنگامی که قانونگذار کنشی مخالف نظم اجتماعی را به‌عنوان جرم تعیین می‌نماید، در برابر این‌گونه رفتارها یک سری مجازات‌ها قرار می‌دهد که به‌عنوان کیفر و پاداش این اعمال هستند.

تعیین مجازات در دو مرحله انجام می‌شود. ابتدا در مرحله قانونگذاری در برابر هر جرم یک یا چند مجازات و یا بازه‌ای از مجازات‌ها تعیین می‌شود. بر اساس «اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها» یکی از وظایف قانونگذار، تعیین مجازات برای هر یک از جرایم است. این عمل قانونگذار «کیفرگذاری» نام دارد. مرحله دوم تعیین مجازات نیز از وظایف دادگاه‌های کیفری می‌باشد. در این مرحله، قاضی در جریان صدور حکم میزان مجازات را در حدود اختیارات قانونی تعیین می‌نماید. به عبارتی کیفرگذاری تعیین ضمانت اجرا در جریان قانونگذاری کیفری است و همان‌گونه که ذکر شده از وظایف قانونگذار است.

۴. ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی در مرحله‌ی تقنین

در این بخش، ضوابط مربوط به مرحله‌ی تقنین ارائه خواهند شد. این ضوابط عبارت هستند از «به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال جرایم شدید» (شدت جرم) و «به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در راستای حمایت[حفاظت] از عموم» (لزوم حمایت از عموم). شدت جرم به‌عنوان اولین ضابطه، منبعث از اصل تناسب بین جرم و مجازات است. به عبارتی، در ترازوی اصل تناسب بین جرم و مجازات، در یک کفه‌ی ترازو «شدت کیفر سالب آزادی» و در کفه‌ی دیگر «شدت جرم» قرار می‌گیرد و توازن بین این دو، به معنای رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات است. بنابراین اعمال کیفر سالب آزادی، تنها در قبال جرایم شدید توجیه‌پذیر خواهد بود.

۴-۱. شدت جرم

همان‌طور که بیان کردیم، معیار اولیه برای تعیین مجازات حبس در حقوق انگلستان، شدت جرم[۱] است. این موضوع در تبصره‌ی ۲ ماده ۱ قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۹۱، ماده‌ی ۷۶ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۲۰۰۰ و تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۵۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ تصریح شده است. طبق همین تبصره: «دادگاه نباید یک مجازات سالب آزادی صادر کند مگر آنکه بر این

۱. Seriousness of offence

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

عقیده باشد که جرم ارتکابی یا ترکیبی از یک جرم و یا چند جرم همراه آن، آن‌چنان شدید بوده که نه یک جزای نقدی به‌تنهایی[۱] و نه یک مجازات اجتماعی[۲] می‌تواند برای آن جرم توجیه شود.»

«در حقوق انگلستان شدت جرم، تنها معیاری است که می‌توان براساس آن، مجازات‌های اجتماعی تعیین کرد. به‌علاوه معیار اولیه برای مجازات حبس، شدت جرم است، هرچند در خصوص حبس، مجازات‌کننده می‌تواند در جرایم خشن یا جنسی[۳] با اتکا به ضرورت حمایت از عموم به‌عنوان توجیهی جایگزین، اقدام به صدور مجازات حبس نماید. شدت جرم یک معیار مهم برای تعیین طول مجازات‌های حبس و همچنین تعیین میزان و مبلغ جزای نقدی است.» (اسپراک، ۱۳۹۰، ص۱۴۲).

چنانچه بخواهیم در حقوق ایران ضوابطی برای به‌کارگیری کیفر سالب آزادی تعریف کنیم و در اختیار قانونگذار قرار دهیم، شدت جرم ضابطه‌ای خواهد بود که قانونگذار بایستی در درجه‌بندی جرایم مورد توجه قرار دهد. چنانچه شدت جرم را به‌عنوان ضابطه‌ای برای تعیین کیفر سالب آزادی در حقوق ایران شناسایی کنیم، لزوم درجه‌بندی دوباره‌ی جرایم تعزیری با در نظر گرفتن شدت جرم در کنار سایر ضوابط لازم و ضروری خواهد بود. همچنین از آنجایی که جرایم تعزیری با درجات پایین عموماً از جرایم غیرشدید تلقی می‌شوند، بهتر است که قانونگذار، کیفر سالب آزادی را از دو یا سه درجه‌ی آخر مجازات‌های تعزیری حذف کند. هرچند که قانونگذار برابر مواد ۶۵ و ۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در اقدامی شایسته با تعیین اجباری جایگزین‌های حبس برای جرایم تعزیری درجه‌های ۷و ۸ به این پیشنهاد جامه عمل پوشانده است؛ اما باز هم امکان صدور حکم حبس برای جرایم غیرشدید و نیز امکان حکم به حبس‌های کوتاه‌مدت (ولو در فرض اعمال تخفیف مجازات) وجود دارد. به نظر می‌رسد بهتر است که از ابتدا حبس‌های کوتاه‌مدت از مجموعه قوانین حذف شود. از سویی دیگر از آثار زیان‌بار مجازات سالب آزادی و نیز عیب و ایرادهای حبس‌های کوتاه‌مدت که به‌ویژه از سوی طرفداران مجازات‌های جایگزین کیفر سالب آزادی بیان می‌شود و نیز سابقه‌ی استفاده از کیفر سالب آزادی در فقه -که در گذشته به آن اشاره کردیم و تنها معطوف به حبس‌های ابد بوده است- و همچنین فلسفه و کارکرد کیفر سالب آزادی که بازدارندگی و دور نگاه داشتن مجرم خطرناک از بطن جامعه است، همگی توجیه‌کننده‌ی این امر است که بهتر است

۱. A fine alone
۲. Community sentence
۳. با توجه به ماده‌ی ۷۹ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۲۰۰۰.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

حبس‌های کوتاه‌مدت از نظام کیفردهی ایران و زرادخانه‌ی کیفری ما حذف گردد. در ادامه به بررسی ضابطه‌ی شدت جرم می‌پردازیم.

۴-۱-۱. تبیین شدت جرم

شدت عینی جرم یا همان صدمه حاصل از جرم، شدت ذهنی جرم یا همان مجرمیت مرتکب و بالاخره میزان تأثیر مرتکب در وقوع جرم. در حقیقت شدت هر یک از این سه عامل بر میزان سرزنش‌پذیری رفتار مؤثر خواهد بود، به‌نحوی که ترکیبی از این سه عامل نمره و درجه‌ای خاص از شدت را به هر جرمی می‌دهد.

۴-۱-۱-۱. شدت عینی جرم (صدمه حاصل از جرم)

معیار مختلفی برای تشخیص شدت صدمه ناشی از جرم ارائه شده است؛ اما شاید معیاری که توسط فان هیرش[۱] و جاربورگ[۲] ارائه شده است کامل‌تر از بقیه باشد. ایشان براساس اثری که هر جرم روی زندگی مجنی‌علیه بر جای می‌گذارد جرایم را به پنج دسته کلی تقسیم می‌نمایند:[۳]

الف) هستی فرد: جرایمی که هستی فرد را مورد هدف قرار می‌دهد.

ب) حداقل آسایش: جرایمی که سطح لازم را برای آسایش فرد زایل می‌کنند.

ج) آسایش مناسب: جرایمی که سطح مناسب و مقتضی (و نه بیشتر) را برای آسایش فرد مورد حمله قرار می‌دهند.

د) ارتقاء مهم: جرایمی که مانع ارتقاء قابل‌توجه و مهم در کیفیت زندگی فرد ورای سطح مقتضی و مناسب می‌گردند.

ه) ارتقاء ناچیز: جرایمی که مانع ترقی کمی در کیفیت زندگی فرد می‌گردند. (Von Hirsch & Jareborg, 1991, p. 24)

پس به همان ترتیب مجازات‌ها را به چند دسته تقسیم می‌نماییم: مجازات‌هایی که حیات مجرم را هدف قرار می‌دهند؛ مجازات‌هایی که حداقل‌های زندگی مجرم را مورد آسیب قرار می‌دهند؛

---

۱. Andrew Von hirsch
۲. Nils Jareborg
۳. See: Ashworth, Andrew, principles of criminal law, p 44.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

مجازات‌هایی که شرایط مناسب برای زندگی مجرم را لطمه می‌زنند و در درجه‌ی چهارم و پنجم مجازات‌هایی که مانع ارتقاء قابل‌توجه یا ارتقاء ناچیز در زندگی مجرم می‌گردند.

لازم به ذکر است که «برای تشخیص شدت جرم نباید به ارزش اخذ شده از یک قربانی خاص رجوع کرد؛ بلکه معیار، صدمه نوعی به قربانیان جرایم است.» طبقه‌بندی ارائه شده از سوی فان هیرش و جاربورگ، محدود به منافع فردی یا به عبارت دیگر جرایم دارای زیان‌دیده خصوصی است و منافع عمومی که متضمن جرایم علیه دولت یا ملت است را در برنمی‌گیرد؛ اما به‌نظر می‌رسد بتوان معیار فوق را بر سایر جرایم نیز تسری داد؛ منتهی این بار به‌جای صحبت از کیفیت زندگی فرد باید صحبت از کیفیت زندگی جامعه باشد. (Ashworth, 1992, p. 45)

مطلب مهم دیگری که باید بدان توجه داشت مسئله تأثیر زمان و مکان است. بدیهی است که با گذشت زمان و افزایش اطلاعات و آگاهی‌های ما در مورد آثار جرایم و یا تحت‌تأثیر رویدادهای مختلف اجتماعی، قضاوت‌هایمان در مورد شدت صدمه یک جرم تغییر کند. مثلاً افزایش بینش ما در مورد آثار روانی حاصل از تجاوزات جنسی موجب گردیده که این جرم شدیدتر از گذشته ارزیابی گردد.

در جهت عکس نیز می‌توان تأثیر عامل زمان را بر جرم مشاهده کرد یعنی جرایمی که در گذشته شدید محسوب می‌شده‌اند اما امروزه آن شدت سابق را ندارند. جرمی مانند «سرقت ساده اگرچه در گذشته از جرایم مهم بوده ولی امروزه به علت تحولاتی که در نظام اقتصادی و اجتماعی جوامع روی داده این امکان به وجود آمده که برخی بتوانند از طریق اعمال دیگر خسارات مادی شدیدتری بر فرد یا جامعه وارد کنند.» (صانعی، ۱۳۷۴، ص۱۱) عامل مکان را نیز نباید در تشخیص شدت صدمه‌ی حاصل از جرایم نادیده گرفت. «اگرچه درک فرهنگ‌های مختلف از شدت جرایم در موارد متعدد مشترک است؛ اما در موارد زیادی نیز با هم تفاوت دارد. این بدان معناست که احساس مردم در برابر جرایم یکسان نیست؛ سنخ فکر، محیط‌زیست، اعتقادات، آداب‌ورسوم، اقتصاد و عوامل متعدد دیگر در این زمینه مؤثر است.» (مظلومان، ۱۳۵۳، ص۱۳۹) به‌عنوان مثال، نتیجه تحقیقی که در میان کشورهای مختلف شامل کانادا، دانمارک، نروژ، فنلاند، انگلستان، هلند، کویت، پورتوریکو و آمریکا صورت گرفته است نشان می‌دهد: «کویتی‌ها و آمریکایی‌ها، زنای عنف را شدیدتر از جرایم خشن غارت اموال یا ضرب‌وجرح مشدد تلقی می‌کنند؛ در حالی که پاسخ‌دهندگان اسکاندیناویایی و انگلیسی این جرایم را با سطح مشابهی اندازه‌گیری کرده‌اند. همچنین کویتی‌ها پس از قتل عمد،

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

فروش هروئین یا ماری‌جوانا را شدیدترین جرایم می‌دانند؛ در حالی که پاسخ‌دهندگان سایر کشورها، جرایم مواد مخدر را به اندازه‌ی شدت جرایم خشن تلقی نمی‌کنند.» (Robert, 1998, p. 42) عامل مکان خود، ترکیبی از مؤلفه‌های دیگر، چون دین و مذهب، نظام سیاسی، آب‌وهوا، جغرافیای سیاسی، جمعیت، فرهنگ و ... است که در نهایت دیدگاه مردم یک منطقه را نسبت به برخی جرایم تعیین می‌کند. هرچند در هر نقطه از یک محدوده‌ی مکانی خاص، تفاوت‌هایی در خصوص قضاوت مردم مشاهده می‌شود؛ اما به‌طور کلی، دیدگاه عمومی یک جامعه‌ی یکنواخت، درباره‌ی ارزیابی میزان شدت عینی جرایم، نزدیک به هم است.

۴-۱-۱-۲. شدت ذهنی جرم (مجرمیت مرتکب)

بعد دیگر شدت جرم، شدت مجرمیت مرتکب آن به‌عنوان جنبه‌ذهنی است. بدین معنا که ممکن است به‌رغم یکسانی شدت صدمه وارد به جامعه از جرم دو مجرم، میزان مجرمیت آن‌ها متفاوت بوده و در نهایت شدت جرایم آن‌ها متفاوت ارزیابی گردد. «مجرمیت را می‌توان در یک معنای مضیق و یک معنای موسع لحاظ کرد. در معنای مضیق مجرمیت به بررسی وضعیت ذهنی و روانی مرتکب در زمان ارتکاب جرم می‌پردازیم و در معنای موسع علاوه بر حالت ذهنی مرتکب در زمان ارتکاب جرم، شخصیت اخلاقی او نیز چه قبل و چه پس از وقوع جرم مدنظر قرار می‌گیرد.» (Robinson, 1997, pp. 44) براین اساس چهار سطح مختلف از مجرمیت می‌توان تشخیص داد که به ترتیب درجه شدت عبارت‌اند از:

۱- عمد: که شدیدترین مجرمیت است؛
۲- علم: در اینجا مرتکب اگرچه وقوع جرم را نمی‌خواهد اما تحقق آن برایش مسلم است؛
۳- بی‌تفاوتی، ناظر به حالت علم اجمالی (و نه قطعی) به وقوع جرم در اثر عمل است؛
۴- غفلت: پایین‌ترین درجه‌ی مجرمیت است.

البته باید توجه داشت در نظام فعلی حقوق کیفری اکثر جرایم درجات چهارگانه‌ی فوق را ندارند چرا که اصل بر عمدی بودن جرایم بوده و ارتکاب جرم با غفلت امری استثنایی است؛ بنابراین به لحاظ مجرمیت، جرایم نوعاً با عمد یا لااقل علم قابل تحقق هستند.

در مقابل معنای مضیق، معنای موسع مجرمیت قرار دارد. گفتیم که در این معنا علاوه بر حالت ذهنی مرتکب در زمان ارتکاب جرم، شخصیت اخلاقی او نیز چه قبل و چه پس از وقوع جرم مدنظر

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

قرار می‌گیرد. با این استدلال که هدف از مجازات، سرزنش همین شخصیت است و نه وضعیت روانی مرتکب در مقطع ارتکاب جرم. بنابراین، برای تعیین میزان سرزنش‌پذیری مجرم باید در محدوده‌ی زمانی وسیع‌تری به ارزیابی آن پرداخت. در این معنا از مجرمیت، بین مجرمیت یک شخصیت خوب و مجرمیت یک شخصیت بد تفاوت وجود دارد. رفتارهای مختلفی که فرد پیش و پس از وقوع جرم اعم از مثبت یا منفی از خود نشان داده در خوب یا بد تلقی کردن شخصیت او نقش بسزایی دارد. به‌عنوان مثال داشتن سابقه‌ی محکومیت در گذشته نمونه یک رفتار بد و منفی از ارتکاب جرم و کمک به مقامات جهت کشف جرم نمونه‌ی یک رفتار خوب و مثبت پس از ارتکاب جرم است.

۴-۱-۱-۳. میزان تأثیر مرتکب در وقوع جرم

بالاخره گاهی به‌رغم یکسانی شدت عینی و ذهنی دو جرم، تنها به جهت دخالت شخص یا اشخاص دیگری در وقوع جرم، میزان شدت آن‌ها متفاوت می‌گردد. به‌طور کلی دخالت اشخاص دیگر در وقوع جرم یا مربوط به دخالت مجرمین دیگر می‌شود و یا مجنی‌علیه جرم[۱]. در این میان تأثیر جامعه در بسترسازی جرم (قصور جامعه) را نیز نباید فراموش کرد. به‌عنوان مثال «جامعه‌ای که شهروندان آن به علت سیاست‌های غلط حکومت، فقیر هستند، نمی‌تواند برای جرایم علیه مالکیت از قبیل سرقت، همان مقدار مجازاتی را تعیین کند که جامعه غیرمقصر یا کمتر مقصر تعیین می‌کند. جامعه اول جواز اخلاقی کمتری برای مجازات مجرمین دارد.» (Primoratz, 1989, p. 96)

سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه‌بنا بر شدت و چه‌بنا بر خفت مجازات در حال تعدد مرتکبین، آیا همه‌ی آن‌ها باید به یک اندازه مجازات شوند؟ بدیهی است میزان مداخله‌ی آن‌ها در وقوع جرم منجر به تفاوت در میزان شدت جرم هر یک و در نتیجه مجازات متفاوت آن‌ها می‌گردد. البته معاون جرم که در عنصر مادی آن دخالت نمی‌کند، نقش کمتری در وقوع جرم نسبت به مباشر یا شریک جرم دارد. در میان معاونین نیز می‌توان بدین‌گونه قائل به تفصیل شد که شدت جرم معاون که مباشر غیرمصمم را مصمم به ارتکاب جرم نموده (مثلاً در حالت تحریک به ارتکاب جرم) با معاونی که تنها مباشر مصمم را یاری رسانده (مثلاً در حالا ارائه‌ی وسایل ارتکاب جرم) متفاوت تلقی گردد.

---

۱. Victim as a party

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

۴-۱-۱-۴. شدت جرم به‌عنوان ضابطه تعیین کیفر سالب آزادی

فرآیند تعیین مجازات و صدور حکم محکومیت کیفری یکی از مراحل حساس در فرآیند کیفری انگلستان محسوب می‌شود. زیرا «کسانی که فرد متهم را محاکمه کرده و مجرمیت او را احراز می‌کنند (مرحله اول رسیدگی)، همان شخص یا اشخاصی نیستند که نوع و میزان مجازات مجرم را پس از بررسی محتوای پیونده و کسب نظر کارشناسان مختلف تعیین می‌کنند. تعیین مجازات درواقع، پایان یک فرآیند طولانی است که شامل دستگیری، توقیف یا احضار شخص مظنون می‌شود. این امر، در مقایسه با آیین دادرسی معمول در کشورهای متعلق به خانواده حقوقی رومی- ژرمنی، یکی از ویژگی‌های برجسته آیین دادرسی کیفری انگلستان که متعلق به خانواده حقوقی کامن‌لا است محسوب می‌شود.» (مهرا، ۱۳۸۶، ص۴۹) این امر تخصصی بودن تعیین مجازات در حقوق انگلستان را نشان می‌دهد. متأسفانه در حقوق ما، تعیین مجازات برای مجرمان از سازوکار تفکیک شده پیروی نمی‌کند و تعیین مجازات نیز جزئی از مرحله اثبات مجرمیت در دادگاه است. لزوم تخصصی شدن مرحله تعیین مجازات امری است که با رشد علم کیفرشناسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مناسب است در حقوق ایران نیز نهادی قضایی مشابه «شورای رهنمودهای تعیین مجازات»[1] که در حقوق انگلستان وجود دارد[2]، ایجاد شود تا قضات آموزش دیده با مشاوره متخصصین به تعیین مجازات مجرمان بپردازند. البته در انتقال نهادهای عدالت کیفری از نظام کامن‌لا به نظام حقوقی ایران، لازم است در خصوص بسترهای لازم برای انتقال نهاد مطالعه کافی صورت گیرد.

در نظام حقوقی ما که مبتنی بر قانون نوشته است، شدت جرم به‌عنوان ضابطه کیفر سالب آزادی بایستی در مرحله‌ی قانونگذاری مورد استفاده قرار گیرد؛ هرچند که در مرحله‌ی قضا نیز با برداشت دیگری از شدت جرم می‌توان از این ضابطه استفاده نمود و این برداشت درست شبیه به عواملی است که در تعیین شدت جرم در حقوق انگلستان در دادگاه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. در ادامه معیارهای شدت جرم را در حقوق انگلستان بررسی خواهیم کرد.

---

۱. Sentencing Guidelines Council

۲. این شورا به موجب قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ ایجاد گردیده و رهنمودهایی برای تعیین مجازات در دادگاه‌های کیفری انگلستان منتشر می‌کند. برای اطلاعات بیش‌تر ر.ک: مهرا، نسرین، رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان و ولز، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۳۳۵ تا ۳۵۳.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

۴-۱-۱-۵. معیارهای شدت جرم

نوع برخورد و رویکرد دادگاه‌ها به این قضیه و نوع تعبیر و تفسیر آن‌ها از مقوله‌ی شدت جرم متفاوت است. «دادگاه استیناف[۱] به‌طور ابتدایی و قاضی ارشد لاوتون[۲] معیار «فهم اعضای درست-اندیش جامعه»[۳] را پیشنهاد کردند.» (Ashworth, 2006, p. 272)

به‌عقیده‌ی قاضی لاوتون «جرمی شدید است که هنگام ارتکاب توسط یک شخص، اعضای درست‌اندیش جامعه را وادار کند تا احساس کنند که با صدور هرگونه مجازاتی به جز مجازات سالب آزادی، عدالت محقق نخواهد شد و ما فکر می‌کنیم که این رهنمود خوب و درستی است که می‌توانیم به دادگاه‌ها ارائه بدهیم.» (Wasik M & Taylor, 1991, p. 18).

از نظر پروفسور اشورث، نمی‌توان گفت که این معیار خیلی مفید و راه‌گشاست، زیرا دادگاه محاکمه‌کننده، شیوه و وسیله‌ای برای تعیین و پی‌بردن به دیدگاه‌های اعضای درست‌اندیش جامعه ندارد و به‌طور اجتناب‌پذیری ویژگی‌ها و خصوصیات چنین افرادی درواقع دیدگاه‌های خود آن‌ها (دادگاه‌ها) است. «سرانجام دادگاه محاکمه‌کننده ملزم به ترتیب اثر دادن به قضاوت ذهن گرایانه‌ی خویش[۴] در ارتباط با آنچه عدالت ایجاب می‌کند، مبتنی بر حقایق خاص و ویژه‌ی پرونده‌ی نزد خود است» (Ashworth, ibid).

با این وجود تصمیمات رهنمودی پیش از سال ۱۹۹۱ گرایش به بررسی شدت جرم در پرتو «طیفی از عوامل مشدده و مخففه» داشتند. در همین زمینه قاضی ارشد «لرد بینگهام»[۵] با این استدلال که مرز روشن و مشخصی با این معیار برای تشخیص نقطه‌ی فاصل بین مجازات‌های سالب آزادی و غیرسالب آزادی وجود ندارد، پیشنهاد کرد که دادگاه‌ها اوضاع واحوال مشدده و مخففه (ارتکاب

۱. The Court of Appeal
۲. Lawton LJ in Bradbourn [1985] 7 cr App R(S) 180
۳. Right – thinking Members of the public.
۴. It’s own subjective Judgment.
۵. Lord Bingham CJ.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

جرم با نقشه‌ی پیشین[۱]، تحریک[۲]، محکومیت‌های پیشینی[۳]، دفاع قبول مجرمیت[۴] و ...) را در ارزیابی و سنجش شدت جرایم مدنظر قرار دهند.

شورای رهنمودهای تعیین مجازات در جستجوی هدف تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۵۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ بر دو اصل اساسی تکیه کرد: «نخست اینکه قصد واضح برای تعیین مجازات‌های سالب آزادی، باید نگه‌داشتن زندان به‌عنوان مجازات شدیدترین جرایم باشد و دیگر اینکه صدور مجازات سالب آزادی نباید به این معنی باشد که این مجازات باید ناگزیر انگاشته شود، بلکه زندان هنوز می‌تواند در پرتو تخفیف شخصی یا جایی که یک مداخله‌ی مناسب در پرونده از طرف جامعه وجود دارد که محدودیت مناسب و کافی (به‌عنوان مجازات) هنگامی که بازپروری بزهکار را برای ممانعت از جرم آینده مدنظر قرار می‌دهد را مهیا می‌کند، مورد اجتناب باشد.» (Ashworth, 2005, pp. 272-273)

در بند الف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تنها تقلیل حبس آورده شده است. ظاهر ماده بیانگر آن است که تبدیل آن به مجازات دیگر ممکن نیست و این برخلاف این قاعده مفید در حقوق انگلستان است که «صدور مجازات سالب آزادی نباید به این معنی باشد که این مجازات باید ناگزیر انگاشته شود».

عقاید متفاوت با استفاده از معیارهای گوناگون برای سنجش و ارزیابی میزان شدت جرایم وجود دارند. آن‌چه اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند اقبال کلی قوانین عدالت کیفری ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ به تئوری «مجازات‌های استحقاقی یا بایسته»[۵] است. براین اساس تأکید بر روی تناسب مجازات با شدت جرم است و مجازات‌ها باید بر مبنای شدت جرم تعیین و صادر شوند. در همین مورد تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۴۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ مقرر می‌دارد: «در بررسی شدت هر جرم، دادگاه بایستی

---

۱. Premeditation
۲. Provocation
۳. Previous Convictions
۴.v b Guilty Plea
۵. Just Deserts

برای توضیح اضافی در این مورد و در ارتباط با این تئوری به منابع زیر رجوع کنید:
غلامی، حسین، بررسی حقوقی –جرم‌شناختی تکرار جرم، چاپ دوم، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۷، ص ۸۰
Pettit, P, Not Just Deserts, Oxford University Pres, 1990, p165-172.
Duff R.A, Punishment, Communication and Community, Oxford University Press, 2001, PP 132-143.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

میزان مسئولیت بزهکار در ارتکاب جرم و هرگونه آسیب و زیانی[۱] که از جرم حاصل شده، قصد بزهکار بر حصول آن آسیب یا زیان بوده و یا به نحو قابل پیش‌بینی‌ای حاصل می‌شده را مدنظر قرار دهد.»

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در مرحله‌ی تعیین مجازات‌ها به‌طورکلی و مجازات‌های سالب آزادی به‌طور ویژه تحت مقررات عدالت کیفری ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ انگلستان، اصل رعایت تناسب بین شدت جرم و مجازات، مهم‌ترین نقش را بازی می‌کنند. درواقع در راستای اقبال به همین مجازات‌های بایسته و استحقاقی بود که در پیش‌نویس اولیه‌ی قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ آمده بود: «چنانچه مجازات بایسته باشد و در تناسب با شدت جرم، بزه‌دیده، خانواده و دوستان وی و همچنین جامعه از اجرای قانون خشنود خواهند بود و دیگر تمایلی به جزای بیشتر و انتقام‌گیری خصوصی نخواهند داشت.»[۲]

اما سؤال اساسی در این مورد آن است که چگونه می‌توان تشخیص داد کدام جرم شدیدتر است و کدام جرم از شدت کمتری برخوردار است. چگونه می‌توان معیار و میزانی برای تناسب طولی جرایم[۳] ایجاد کرد؟ تناسب طولی به زبان ریاضی درواقع همان چیزی است که آندره‌فون هیرش[۴] را اهمیت نسبی یک جرم در مقایسه با جرایم دیگر نامیده است. «این معیار به اهمیت نسبی انواع مختلف جرایم اشاره نموده و متضمن ارزیابی تطبیقی از شدت و اهمیت جرایم (متفاوت نسبت به یکدیگر) است.» (Smith & Ashworth, 2004, p. 267) بدین‌ترتیب جرایم با ایجاد یک نقطه‌ی شروع به‌عنوان شدیدترین جرایم، با حرکت به سمت پایین از لحاظ شدت و ضعف به جرایم متفاوت تقسیم‌بندی می‌شوند. به‌این ترتیب به‌عنوان نمونه قتل با سبق تصمیم از قتل غیرعمد شدیدتر و قتل غیرعمد از ایراد ضرب‌وجرح ساده شدیدتر است.

---

۱. در ارتباط با مفهوم "harm" و انواع آن ر.ک:
Ashworth, Andrew, Prenciples of Criminal Law, Oxford, Clarendon Press, 1992, PP 19-51.
به‌طور کلی به موجب ماده‌ی ۱۴۳ قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳، مفاهیم سه‌گانه‌ی مسئولیت، آسیب و وجود محکومیت‌های پیشین مهم‌ترین نقش را در بررسی شدت جرایم بازی می‌کنند.

۲. Home Office (1995), Para 2.4.

۳. Ordinal Proportionality

۴. Andrew Von Hirsch

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

در ارتباط با نظام عدالت کیفری انگلستان، اشورث با اشاره به نحوه و چگونگی حل این مشکل در برخی کشورها، مشکل اساسی را در خود «ساختار قانون جزایی»[۱] انگلستان جستجو می‌کند (Ashworth, 2005, p. 103). به‌عنوان نمونه در نظام‌های عدالت کیفری آمریکا، جرم‌ها را به گروه‌های متعدد از لحاظ شدت و خفت تقسیم‌بندی و سپس برحسب نوع جرم اقدام به تعیین مجازات می‌نمایند که چنین ترتیبی در نظام عدالت کیفری انگلستان وجود ندارند[۲]. با این وجود معیارهای دیگری برای این منظور مورد آزمایش قرارگرفته‌اند. یکی از معیارها، بررسی افکار عمومی مردم انگلستان در ارتباط با شدت نسبی جرایم است. به این‌گونه تحقیقات «بررسی اظهارات قربانیان جرم»[۳] می‌گویند. نمونه این تحقیقات، پژوهشی است که در دهه‌ی ۱۹۷۰ روی ۵۰۰ شهروند اهل لندن انجام گرفت، اسپارکس[۴]، جن[۵] و داد[۶] جرایم را از حیث شدت، با توجه به ارزیابی شهروندان از شدت نسبی جرایم، طبقه‌بندی کردند.[۷]

دادگاه استیناف برخی رهنمودها را به‌عنوان معیاری برای اجرا مقرر داشته است. در پرونده کوکس[۸] دادگاه معیار شدت جرم را مورد تأیید اعضای جامعه دانست، به‌گونه‌ای که احساس نمایند که عدالت تنها با تعیین مجازات حبس اجرا می‌شود.

در پرونده‌ی هولز[۹] بیان گردید که معیار «تأیید اعضای جامعه»[۱۰] کمک زیادی به این امر نمی‌کند؛ چرا که گرایش و تمایل طبیعی قضات بر آن است که فرض نمایند دیدگاه‌هایشان، نظر اعضای

---

۱. Structur of the Criminal Law

۲. درواقع شبیه چیزی به تقسیم‌بندی جرایم در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ که در آن جرایم از لحاظ شدت به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم‌بندی می‌شوند.

۳. victim survey

۴. Sparks

۵. Genn

۶. Dadd

۷. برای اطلاع از نتایج این تحقیق ر.ک:

Sparks, R. Franklin, Genn, H. & Dodd, D. **Surveying Victims: A study of the Measure ment of Criminal Victimization**, Perceptions of Crime and Attitudes to Criminal Justice, Wiley, Chichester, 1977.

۸. Cox (1993) 1 WLR 188.

۹. Howells (1998) Crim LR 836.

۱۰. Right – thinking members of the public

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

جامعه را در خصوص موضوع منعکس می‌کند. بنابراین لرد بینگهام[۱] رئیس دادگاه استیناف، در پرونده‌ی هولز، عوامل زیر را در تعیین شدت جرم مؤثر اعلام کرد:

۱. ماهیت و میزان قصد مجرمانه؛
۲. ماهیت و میزان صدمه یا خسارت جزایی وارده به قربانی جرم؛
۳. با سبق تصمیم بودن جرم یا ناگهانی و ارتجالی بودن آن؛
۴. هر نوع تحریکی که مجرم تحت‌تأثیر آن بوده است؛
۵. هر نوع صدمه‌ی جسمی یا آسیب‌روحی که قربانی از آن رنج می‌برد؛ به‌ویژه اگر صدمه دائمی باشد؛
۶. محکومیت قبلی مجرم یا قصوری که در پاسخ به مجازات‌های قبلی مرتکب شده است.

رئیس دادگاه استیناف سپس اقدام به بیان عوامل مخففه‌ی مرتبط با مجرم نمود و بیان کرد که موارد ذیل باید در صدور مجازات حبس در موارد بینابین (مرز آستانه‌ی جرم) مورد توجه قرار گیرند:

۱. اقرار مجرم به قبول مسئولیت جرم، به‌ویژه هنگامی که اقرار به مجرمیت، زودهنگام باشد به گونه‌ای که دلالت بر ندامت وی از عمل ارتکابی باشد. برای مثال اظهار ندامت به قربانی جرم و پیشنهاد جبران خسارت وارده به او؛
۲. چنانچه ارتکاب جرم مرتبط با اعتیاد به مشروبات الکلی یا مواد مخدر و نشانه‌ای از تصمیم مجرم به ترک اعتیاد مشاهده شود؛
۳. جوانی و ناپختگی مجرم؛
۴. شخصیت خوب قبلی؛
۵. مسئولیت‌های خانوادگی؛
۶. ناتوانی جسمی یا روانی؛
۷. عدم پیشینه‌ی تحمل مجازات حبس.

۱. Lord Bingham

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

در پرونده‌ی کونینگام[۱]، در تعیین شدت جرم، «ارعاب» ناشی از آن محاسبه شد. به‌علاوه گستردگی آثار جرم یک عامل مهم در اتخاذ تصمیم برای تناسب تعیین مجازات است. دادگاه استیناف آستانه‌ی شدت جرم را برای مجازات حبس در سطح خیلی پایینی قرار دارد. در پرونده‌ی فنتون[۲] که مجرم، در جریان درگیری، با زدن به سینه‌ی قربانی جرم، او را هل داد، به علت خطر گسترش چنین درگیری‌هایی، مجازات حبس مناسب دیده شد. در پرونده‌ی مکونیک[۳] در جرم سرقت و مهیا کردن وسیله‌ی ارتکاب سرقت، به‌رغم ارزش پایین اموال (پانزده پوند) به‌جهت خیانت به اعتماد دیگری مجازات حبس مقرر گردید.

در پرونده‌ی بوند[۴] سرقت استیک‌های ژامبون به ارزش سه‌ونیم پوند از یک سوپرمارکت، برای عبور از معیار شدت، حبس در نظر گرفته نشد. همچنین در پرونده‌ی الدر[۵] جرم وارد نمودن دویست گرم حشیش و هفت‌صد گرم گیاه حشیش، آن‌چنان شدید تلقی نگردید که مجازات حبس برای آن توجیه شود.

با اعمال ماده‌ی (۱) ۱۴۳ قانون عدالت کیفری (۲۰۰۳)، معیاری برای تشخیص شدت ارائه شده و مقرر گردید که دادگاه در بررسی شدت هر جرمی، باید قابلیت سرزنش مجرم در ارتکاب جرم و صدمه‌ای که ایجاد نموده یا قصد ایراد آن را داشته یا ایجاد آن قابل پیش‌بینی است را مورد توجه قرار دهد. هرچند معیار «قابلیت سرزنش» مقاصد و انگیزه‌ها برای جرم ارتکابی و صدمه‌ی وارده، به‌عنوان مثال صدمه‌ای که قربانی جرم از آن رنج می‌برد، وسیع و نامحدود است، اما این فرمول قانونی یک گام به جلو ارزیابی شده است.

در برخی از موارد، همانند شروع به جرم قتل عمد، میزان قابلیت سرزنش می‌تواند بسیار بالا و میزان صدمه‌ی وارده جزئی باشد و یا در مواردی همانند تسبیب در قتل دیگری در اثر رانندگی خطرناک، صدمه‌ی وارده می‌تواند بالاتر و سنگین‌تر از قابلیت سرزنش باشد. پروفسور واسیک[۶] در

۱. Cunninghm (1993) 14 Cr App (S) 444
۲. Fenton (1994) 15 Cr App (S) 682
۳. McCnnick (1994) 16 Cr App (S) 134
۴. Bond (1994) 15 Cr App (S) 430
۵. Elder (1994) 15 Cr App (S) 514
۶. Wasik

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

«رهنمود بلک‌استون برای قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳»[۱] بیان کرد که ارتباط بین صدمه و قابلیت سرزنش، توسط شورای رهنمودهای تعیین مجازات بیان می‌شود.

زمانی که دادگاه شدت جرم را مورد بررسی قرار می‌دهد، باید تمام اطلاعات قابل استفاده راجع به اوضاع و احوال جرم را که شامل همه‌ی عوامل مخففه و مشدده است را مورد توجه و محاسبه قرار دهد. علاوه بر موارد مذکور براساس بند ۱ ماده‌ی ۱۵۸ قانون مذکور، دادگاه مجاز است هر موضوعی که مرتبط با تخفیف است را مورد توجه قرار دهد. ازاین‌رو دادگاه محدود به موضوعات مرتبط با جرم (برای تعیین شدت جرم) نشده، بلکه می‌تواند حداقل تا آنجایی که مربوط به عوامل مخففه‌ی مرتبط با مجرم است، به‌عنوان نمونه تلاش مجرم جهت جبران خسارات وارده را در محاسبه‌ی شدت جرم مورد لحاظ قرار دهد.

به‌موجب ماده‌ی (۱) ۱۵۱ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰)، دادگاه می‌تواند محکومیت‌های قبلی را در تعیین شدت جرم کنونی مورد توجه قرار دهد. به عبارتی تکرار جرم، به‌عنوان عاملی مؤثر در تعیین شدت جرم ارتکابی بعدی خواهد بود.

در حقوق ایران، تنها معیاری را که می‌توان برای دسته بندی جرایم بر اساس شدت آن‌ها یافت، طبقه‌بندی مجازات‌های تعزیری در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. در هر صورت این معیار کافی نیست و کاربرد چندانی نیز در آنچه ما از تخمین شدت جرم انتظار داریم، ندارد. در این تقسیم‌بندی تنها از میزان مجازات استفاده شده است. برای تبیین شدت جرم علاوه بر میزان مجازات، عوامل بسیار دیگری؛ مانند آنچه در حقوق انگلستان اشاره شد؛ دخیل است.

۴-۲. حمایت از عموم به‌عنوان ضابطه‌ای برای تعیین کیفر سالب آزادی

لازم است علاوه بر در نظرگرفتن اصل تناسب بین جرم و مجازات، براساس کارکرد متصور برای کیفر سالب آزادی، یک ضابطه‌ی مکمل در کنار شدت جرم مورد استفاده قرار دهیم و آن ضابطه «حمایت از عموم» می‌باشد. اولین اثر متصور برای کیفر سالب آزادی نیز، حتی قبل از اصلاح مجرم، حمایت از عموم می‌باشد. لزوم ثبات امنیت جامعه اقتضاء می‌کند که عناصر نامطلوب برای امنیت جامعه محدود گردند. کیفر سالب آزادی به بهترین نحو این محدودیت را برای عناصر نامطلوب و خطرناک ایجاد می‌کند. از این نظر اولین منتفع از اجرای کیفر سالب آزادی جامعه است،

۱. Blackston’s Guide to the Criminal Justice Act 2003 (OUP 2004)

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

البته به این شرط که مجرم محکوم شده به کیفر سالب آزادی به‌واقع مستحق محروم شدن از حضور در جامعه باشد و جامعه از نبود وی در بطن خود فایده و سودی کسب کند؛ وگرنه چنانچه تنها هدف کیفر دادن مجرم باشد چه‌بسا به طرقی بهتر از کیفر سالب آزادی بتوان این کیفر را برای وی به مرحله‌ی اجرا گذاشت و حتی چنانچه هدف اصلاح وی باشد نیز راهی بهتر از مجازات حبس برگزید. کما اینکه مؤثر نبودن کیفر حبس در اصلاح مجرم نیز به شدت مورد تشکیک قرارگرفته است.

پس لازم است که کیفر سالب آزادی تنها در برابر مجرمانی مورد استفاده قرار گیرد که دلایلی توجیه‌کننده برای عدم حضور وی در جامعه داشته باشیم. لزوم وجود این دلایل منتهی به لزوم به‌کار بستن ضابطه‌ی حمایت از عموم در تعیین کیفر سالب آزادی برای مرحله‌ی تقنین و لزوم اجرای اصل به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک در مرحله‌ی قضاوت خواهد شد. از نظر حقوق انگلستان ضابطه‌ی حمایت از عموم به‌عنوان جایگزین ضابطه‌ی شدت جرم مطرح شده است؛ با این توضیح که در جرایم جنسی و خشن، شدت جرم مفروض انگاشته شده است و در این حالت قاضی جهت صدور حکم حبس، مجبور به احراز ضرورت حمایت از عموم است.[۱] اما از نظر ما لزوم توجه به ضابطه‌ی حمایت از عموم، همراه و در کنار ضابطه‌ی شدت جرم در تمامی موارد ضروری است. هرچند که شدت جرم در اغلب موارد لزوم حمایت از عموم را نیز متذکر خواهد شد؛ اما چنانچه جرمی شدید واقع شود ولی دلایلی بر لزوم حمایت از عموم با به‌کاربستن کیفر سالب آزادی در اختیار نداشته باشیم، مجازاتی نابه‌جا را اجرا کرده‌ایم. در ادامه، ابتدا نحوه به کار بستن این ضابطه را در حقوق انگلستان بررسی می‌کنیم و پس از آشنایی با چندوچون این ضابطه در حقوق انگلستان، نحوه امکان به‌کارگیری آن در حقوق ایران را پیشنهاد می‌کنیم.

۴-۲-۱. به‌کار بستن ضابطه‌ی حمایت از عموم در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان ضرورت حمایت از عموم، معیاری مهم در اتخاذ تصمیم می‌باشد. برای تعیین مجازات حبس برای جرم ارتکابی، دادگاه می‌تواند به‌عنوان یک جایگزین مناسب شدت جرم، به مقررات (b) ۷۹۳ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) استناد نماید که مقرر می‌دارد: «زمانی که جرم ارتکابی یک جرم خشن یا جرم جنسی است و تنها چنین مجازاتی (حبس) برای حمایت از

۱. ر.ک: مقررات (b) ۷۹۳ و ماده‌ی b (۲) ۸۰ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری، مصوب ۲۰۰۰.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

عموم متناسب خواهد بود... .» در ماده‌ی b (۲) ۸۰ نیز مقررات مشابهی مقرر گردیده که دادگاه را قادر می‌سازد حمایت از عموم را در تعیین مدت مجازات حبس مورد توجه قرار دهد.

صدمه‌ای که عموم باید در مقابل آن حمایت شود، از سوی مجرم است، نه صدمه‌ای که ممکن است که دیگران با ارتکاب جرم مشابه به‌وجود آورند؛ مگر اینکه با اطلاع یافتن از مجازات تعیینی برای مجرم، به آنان هشدار داده شود. به‌عبارت دیگر، معیار حمایت از عموم، نه‌تنها برای ارعاب دیگران به‌کار می‌رود؛ بلکه برای پیش‌گیری از ارتکاب جرم از سوی مجرم نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد[۱]. در قانون عدالت کیفری (۱۹۸۲) مقررات مشابهی در مورد مجرمان جوان بیان گردیده است که متعاقباً به‌طور کامل‌تر در قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) مقرر گردید.

برای توجیه معیار «حمایت از عموم»، جرم ارتکابی باید خشن یا جنسی باشد. مطابق ماده‌ی (۱)۱۶۱ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۲۰۰۰، جرم خشن جرمی است که قطعاً یا احتمالاً به مرگ یا ایراد صدمه بدنی منجر می‌شود یا آنکه این قصد نتیجه شده است. برای مثال «ایجاد حریق» جرمی خشن محسوب می‌شود. در دیگر جرایم به منظور تصمیم‌گیری در مورد خشن بودن جرم، مجازات‌کننده باید به واقعیات توجه نماید. بنابراین با توجه به اوضاع و احوال خاص، جرم مقرون به اذیت و آزار می‌تواند داخل در تعریف ماده‌ی (۱) ۱۶۱ قرار بگیرد یا آنکه مشمول آن نشود. در پرونده‌ی چامن[۲] دادگاه استیناف بیان کرد که در سرقت مقرون به آزار از طریق اقدام به شلیک اسحله‌ی گرم پر، جرمی خشن تلقی می‌گردد؛ به این دلیل که احتمالاً ایراد صدمه‌ی بدنی را به‌دنبال دارد. در پرونده‌ی بی‌بی[۳]، سارق، کارمندان یک مجتمع ساختمانی را با چاقو تهدید کرد، اما منجر به صدمه‌ی بدنی نگردید. یا آنکه قصد ایراد صدمه نداشت. دادگاه استیناف مقرر کرد که جرم خشنی که مشمول مقررات ماده‌ی (۱) ۳۱ قرار گیرد، واقع نشده است. در پرونده‌ی خان[۴]، همراه داشتن سلاح خالی در جریان سرقت مقرون به آزار و اذیت، جرم خشن تلقی گردید و در پرونده‌ی پایلن[۵] در خصوص سلاح گرم تقلبی، نتیجه‌ی مشابهی اتخاذ شد.

---

۱. See Jacobs (1989) 11 Cr App R (S) 171
۲. Chapman (1994) 15 Cr App R (S) 844
۳. Bibby (1995) 16 Cr App R (S) 127
۴. Khan (1995) 16 Cr App R (S) 180
۵. Palin (1995) 16 Cr App R (S) 888

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

صدمه‌ی وارده‌ی موضوع ماده‌ی مذکور، باید صدمه‌ی جسمی باشد. بنابراین در پرونده‌ی ریچارت[۱] تهدید به کشتن، مشمول این مقررات قرار نگرفت و در پرونده‌ای بیان شد که ایجاد شوک برای ایراد صدمه کفایت نمی‌کند[۲].

مصادیق «جرم جنسی» در حقوق انگلستان شامل تجاوز به عنف، موارد شدیدتر لواط، زنای با محارم، مقاربت با دختر خردسال، جریحه‌دار کردن عفت عمومی، پورنو گرافی (عکس‌برداری مستهجن یا مبتذل) از کودکان، ورود به منزل دیگری به قصد تجاوز و همچنین فریب و اغوا به ارتکاب هر یک از این جرایم است.

در صورتی‌که دادگاه تشخیص دهد که مجرم در صدد ایجاد خطر صدمه‌ی شدید برای عموم است، می‌تواند معیار حمایت از عموم را به‌تنهایی مورد لحاظ قرار دهد. براساس ماده‌ی ۱۶۱ «صدمه‌ی شدید» شامل مرگ یا صدمه‌ی جسمی شدید می‌باشد (که شامل صدمه‌ی بدنی و روانی است). برخلاف جرایم خشن که صدمه‌ی روانی را مستثنی نموده است، شرط «صدمه‌ی شدید» (در حمایت از عموم) شامل هر دو صدمه‌ی جسمانی و روانی می‌شود. همچنین، علاوه بر موارد مذکور، «در تعیین شدید بودن صدمه شدید، دادگاه به آسیب‌پذیری قربانیان بالقوه‌ی جرم مانند کودکان توجه می‌نماید.»[۳] همان‌طور که دیدیم در حقوق انگلستان ضابطه‌ی حمایت از عموم در مورد جرایم جنسی و جرایم خشن به‌کارگرفته شده است. به‌عبارتی، قانونگذار انگلیسی خطرناکی مجرم را در این دو دسته از جرایم از پیش مفروض نگاه داشته است و امکان خطرناک بودن مجرم را در این موارد بیشتر دانسته است.

۴-۲-۲. نحوه امکان به‌کارگیری ضابطه‌ی حمایت از عموم در حقوق ایران

قانونگذار ما نیز چنانچه بخواهد از این ضابطه در به‌کارگیری کیفر سالب آزادی استفاده کند بایستی ابتدا در مرحله‌ی تقنین، جرایمی را مشخص نماید که لزوم حمایت از عموم در آن جرایم پررنگ‌تر از سایر جرایم باشد و در مرحله‌ی بعدی نیز ضابطه‌ی حمایت از عموم در قالب اصل به

۱. Rechart (1995) 15 Cr App R (S) 977
۲. Rabinson (1993) 14 Cr App R (S)448
۳. Bowaler (1994) 15 Cr App R (S)78

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک توسط قضات، به‌عنوان مکمل استفاده از این ضابطه در مرحله‌ی تقنین، به‌کارگرفته شود.

شایان ذکر است که نشانه‌گذاری برخی جرایم به‌عنوان مراکز به‌کاربستن ضابطه‌ی حمایت از عموم به‌معنی الزام به تعیین کیفر سالب آزادی توسط قضات نیست. کما اینکه در حقوق انگلستان نیز عوامل مشدده و مخففه‌ای برای شدت جرم و لزوم حمایت از عموم وجود دارد که در آنجا عوامل مخففه باعث خواهند شد که استفاده از کیفر سالب آزادی همیشه موجه نباشد. همچنان‌که در پرونده‌ی کوکس در سال ۱۹۹۳ مطرح شد، حتی اگر جرم آن‌چنان باشد که از آستانه‌ی مجازات حبس گذشته باشد، جهات تخفیف مانند اقرار به مجرمیت، همکاری با پلیس، شخصیت مجرم و جوانی، می‌تواند مجرم را از مجازات حبس رها سازد[۱].

در مورد جرایم جنسی در حقوق ما، عموماً از مجازات‌های حدی استفاده می‌شود و تنها در مورد جرایم جنسی که به حد زنا یا لواط نرسیده باشند از مجازات‌های تعزیری استفاده می‌شود که در این موارد نیز عموماً از مجازات شلاق استفاده می‌شود. ضابطه‌ی حمایت از عموم در حقوق انگلستان در مورد جرایم جنسی به عنف یا اکراه مطرح می‌شود. در حقوق ما لزوم حمایت از عموم در مورد جرایم جنسی به عنف، در صورت تحقق و اثبات زنا یا لواط، به‌نحو کامل‌تری به‌صورت حذف دائم مجرم و اعدام وی صورت می‌گیرد.

به‌نظر می‌رسد، بهتر است که در مورد جرایم جنسی به عنف تعزیری نیز ضابطه‌ی حمایت از عموم مدنظر قرارگرفته شود و به‌جای استفاده از شلاق از کیفر سالب آزادی استفاده شود. به لحاظ ریشه داشتن جرایم جنسی در اختلالات جسمی و روانی و به دلیل خطرناک بودن چنین مجرمانی برای جامعه و امکان تکرار مجدد جرایم جنسی از سوی این‌گونه مجرمان، شاید کیفر سالب آزادی -حداقل از لحاظ جنبه‌های پیشگیرانه- به‌مراتب مؤثرتر از شلاق باشد. اما در مورد سایر جرایم جنسی تعزیری که با رضایت طرفین جرم انجام گرفته است به‌نظر می‌رسد استفاده از کیفر سالب آزادی جز در صورت احراز خطرناک بودن مجرم جایز نباشد.

در مورد جرایم خشن می‌توان تا حد بیشتری ضابطه‌ی حقوق انگلستان را با ضابطه‌ی قابل استفاده در حقوق ایران منطبق دانست. هرچند در قبال تعداد زیادی از جرایم خشن مجازات قصاص و دیه

۱. Cox (1993) 1 WLR 188

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

قابل اعمال است، اما به لحاظ عمدی بودن خشونت در جرایم خشن علیه تمامیت جسمانی، مجازات تعزیری نیز مورد حکم قرار می‌گیرد. در این موارد نیز به لحاظ لزوم حمایت از عموم در برابر پتانسیل بالای این‌گونه مجرمان برای مخدوش کردن امنیت جامعه، به‌نظر می‌رسد در صورت وجود ضابطه‌ی شدت جرم (یعنی بالا بودن میزان آسیب و صدمات وارده و شدت آثار جرم) استفاده از کیفر سالب آزادی موجه باشد.

در مورد سایر جرایم خشن (جز جرایم علیه تمامیت جسمانی) نیز در صورت شدت جرم و احراز لزوم حمایت از عموم می‌توان به همین طریق عمل نمود.

اما به نظر می‌رسد که برخلاف حقوق انگلستان، بهتر است در هرجا که عنوان مجرمانه‌ای خاص احتمال وقوع این جرم از سوی یک مجرم خطرناک را به ذهن متبادر می‌کند همین‌رویه در پیش گرفته شود و اصل را بر لزوم حمایت از عموم (امکان استفاده از کیفر سالب آزادی) قرار دهیم. به عبارتی در این موارد قاضی از اثبات لزوم حمایت از عموم بی‌نیاز باشد؛ و در عین حال در این موارد اختیار تشخیص فقدان شرط لزوم حمایت از عموم را نیز داشته باشد. یعنی در سایر موارد، حکم به کیفر سالب آزادی نیازمند احراز لزوم حمایت از عموم در برابر مجرمین خطرناک باشد.

البته این مسئله نباید به‌نحوی پیاده‌سازی گردد که نگاه امنیتی از سوی قانونگذار باعث شود تا طیف گسترده‌ای از جرایم را زمینه‌ی به‌کار بستن ضابطه‌ی حمایت ازعموم قرار دهد. شاید به‌همین دلیل باشد که قانونگذار انگلستان قضات را تنها در جرایم جنسی و خشن ملزم به جستجوی دلیل برای حمایت از عموم کرده است.

ضرورت حمایت از عموم، به تنهایی مجوز صدور حکم حبس نیست. چرا که اصل تناسب بین جرم و مجازات، به‌عنوان مهاری برای این ضابطه قرار دارد. لزوم هم‌زمانی و همراهی معیار شدت جرم و ضرورت حمایت از عموم که قبلاً به آن اشاره کردیم، ضامن رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات خواهد بود.

۵. تعیین کیفر سالب آزادی در مرحله‌ی قضا

در تکمیل ضوابط ارائه شده در قبل، اصول و ضوابط بایسته در مرحله قضا را بررسی خواهیم کرد. لازم به ذکر است که در مرحله‌ی قضا، همان دو ضابطه‌ی قبلی؛ یعنی شدت جرم و لزوم حمایت از عموم؛ در قالب اصلی که ما آن را «اصل به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

خطرناک» می‌نامیم، متبلور خواهد شد. به‌عبارتی تا مرحله‌ی قبلی قانونگذار وظیفه‌ی خود را در قبال تعیین ضوابط کیفر سالب آزادی انجام داده است. الگویی که ما برای تعیین کیفر سالب آزادی ارائه می‌کنیم تا حد بسیار زیادی منطبق با نظریات «کیفرشناسی نوین»[1] است که مبتنی بر نظارت و کنترل گروه‌های در معرض خطر بزهکاری می‌باشند. علی‌رغم انتقادات جدی وارده بر این نظریات[2]، به اعتقاد ما در پیش‌گرفتن سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار (ریسک‌مدار)، حداقل در مورد تعیین کیفر سالب آزادی بهترین و کاراترین پارادایم فکری ممکن خواهد بود. چرا که هم منطبق با فلسفه و کارکرد متصور برای کیفر سالب آزادی است؛ هم برای کیفر سالب آزادی نقش تعریف کرده و به آن معنی می‌دهد و هم منتهی به استفاده اصولی و ضابطه‌مند از مجازات حبس شده که در نتیجه‌ی آن استفاده از این مجازات نیز کاهش پیدا خواهد کرد. این دیدگاه به معنی پذیرش کامل نظریات کیفرشناسی نوین نیست؛ بلکه بدین معناست که در «الگویی مختلط (تلفیقی) از سیاست جنایی»، جایگاهی برای نظریات کیفرشناسی نوین نیز وجود دارد.

۵-۱. چرایی تفکیک ضوابط قانونی و قضایی

آیا تفاوتی بین ضوابط ارائه شده در مرحله‌ی تقنین و قضا وجود دارد؟ به‌عبارتی آیا این ضوابط در این دو مرحله قابل تفکیک است؟ چه لزومی به تفکیک این ضوابط در دو مرحله‌ی قضا و تقنین است؟ آیا در این میان اختیار قانونگذار و دادگاه مشابه یکدیگر نیست؟ آیا این سخن باعث ابهام در فرضیه و نظریه نمی‌شود؟ در پاسخ باید گفت که تفکیک حاصل شده در مرحله‌ی تقنین و قضا با توجه به وظایف قانونگذار و قاضی تعریف شده است؛ هرچند درعمل کار هر دو به تشخیص شدت جرم و ضرورت حمایت از عموم در برابر مجرمین دارای حالت خطرناک مربوط می‌شود؛ اما از لحاظ نحوه‌ی عمل بین این دو مرحله تفاوت وجود دارد. همان‌طور که در گذشته اشاره کردیم، شدت جرم و ضرورت حمایت از عموم توسط قانونگذار به‌صورت نسبی تعیین می‌شود و تکمیل این نسبیت و تبدیل آن به قطعیت توسط قاضی انجام می‌گیرد. همچنین قانونگذار است که اصول کلی را تعیین می‌کند و در کنار این اصول کلی، عوامل مشدده و مخففه را نیز تعیین می‌کند تا دادگاه

---

۱. New penology

۲. ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، کیفرشناسی نو – جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، تازه‌های علوم‌جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، نشر میزان، چاپ نخست، بهار، ۱۳۸۸، صص ۱۸۹ تا ۷۲۳.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

از روی این اصول و قواعد به تشخیص شدت جرم و ضرورت حمایت از عموم بپردازد. نحوه‌ی برخورد قانونگذار با حالت خطرناک نیز به صورت پیش‌بینی است؛ در حالی‌که در مرحله‌ی قضا تمام ارکان جرم و آثار آن به وقوع پیوسته است و دیگر صحبت از پیش‌بینی نیست؛ بلکه مقصود احراز حالت خطرناک است.

۵-۲. اصل تعیین کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک

هرچند قانونگذار انگلستان در مورد برخی جرایم مانند جرایم جنسی و خشن و نیز در مورد برخی از مجرمان مانند تکرارکنندگان جرم، حالت خطرناک را مفروض نگاه داشته است و در این موارد تعیین کیفر سالب آزادی از سوی دادگاه‌ها را مناسب تشخیص می‌دهد؛ اما به نظر ما، جایگاه اصلی اصل تعیین کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک در مرحله‌ی قضا می‌باشد. چرا که ضوابط ارائه شده توسط قانونگذار در مرحله‌ی تقنین، نمی‌تواند به تنهایی توجیه‌کننده‌ی استفاده از کیفر سالب آزادی باشد؛ زیرا نتیجه‌ی حاصله از آن‌ها، امکان بالاترِ وجودِ حالت خطرناک در مجرم است و تا موقعی که این حالت خطرناک توسط قاضی احراز نگردد، صدور حکم به مجازات حبس توجیهی نخواهد داشت. به‌عبارت دیگر ضوابط شدت جرم و ضرورت حمایت از عموم در مرحله‌ی قضا در لباس اصل ذکر شده به‌کار گرفته خواهند شد. از سویی دیگر، خطرناکی مجرم و لزوم تعیین کیفر سالب آزادی برای این مجرمان تنها در جرایم جنسی و خشن و در مورد تکرارکنندگان جرم مصداق ندارد. در مورد سایر جرایم نیز در حقوق انگلستان مقرره‌ای قانونی از پیش وجود ندارد و تنها مرحله‌ی قضاوت است که تعیین کیفر سالب آزادی را رقم می‌زند. همچنین مواردی مانند عوامل مخففه باعث می‌شوند که در مورد جرایم جنسی و خشن و تکرارکنندگان کیفر سالب آزادی را موجه بدانیم. به‌عبارتی کیفر حبس در قبال مجرم خطرناک تعیین می‌شود نه عناوین مجرمانه‌ی خطرناک!

همان‌طور که در قبل اشاره کردیم، این دیدگاه تا حدی به اندیشه‌های کیفرشناسی نو ارتباط پیدا می‌کند. کیفرشناسی نوین[۱] فرآیند گذر از کیفرشناسی سزامدار یا درمان‌مدار به کیفرشناسی مبتنی بر نظارت و کنترل گروه‌های در معرض خطر بزهکاری را ارائه می‌کند (ماری، ۱۳۸۳، ص۵۳). بی‌گمان

۱. New Penology, See Feeley, M. Malcolm and Simon Jonathan (1992), The New Penology: Notes on the Emerging Strategy of Corrections and its Implications. Criminology, Vol 30, No 40, PP 449-474.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

تحولات یادشده، گذر دولت اجتماعی به دولت اجتماعی امنیت‌مدار را به تصویر می‌کشند که در آن تأمین و تضمین امنیت به هدف نهایی نظام کیفری و مجازات به وسیله‌ای برای کاهش خطرهای ارتکاب جرم تبدیل می‌شود (همان). که زمینه‌های این دگردیسی را باید در تحولات روی داده در دهه‌ی هفتاد میلادی به بعد در نظام‌های کیفری غربی جست‌وجو کرد. آنچه در این خصوص بیشترین تأثیر را داشته و محوری‌ترین نقش را ایفا می‌کند، «ناتوانی دولت در برقراری امنیت و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان از طریق جلوگیری از بزه‌دیده شدن خیل عظیم آنان و متوقف یا کنترل کردن نرخ رو به رشد جرایم چه در سطح ملی و چه فراملی بوده است». (صفاری، ۱۳۹۰، ص۱۰۳)

بدین‌ترتیب، «دولت‌های اجتماعی که بزهکاری را ناشی از علل و عوامل اجتماعی و به‌عبارت دیگر ناشی از سوء عمل‌کرد فرآیند جامعه‌پذیری افراد می‌دانستند و برای تقویت عدالت اجتماعی، حمایت از نهادهای آموزشی – پرورشی ازجمله خانواده، مدرسه، تنظیم اوقات فراغت و تأمین حداقل رفاه جامعه سرمایه‌گذاری کردند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص۷۱۹)، اکنون در جوامع با خطر بالا بزهکاری[۱]، با انتقادات شدید و چالش جدی که آرمان بازپروری بزهکاران را هدف قرار داده بود، این بار به نظریه‌ها، رویه‌ها و سیاست‌های جدید محافظه‌کارانه در قبال بزهکاری روی آوردند که از آن به عبارتی با عنوان جنبش بازگشت به کیفر و به جهت دیگر با عنوان فرهنگ جدید کنترل جرم[۲] (تعبیر گارلند) یاد می‌شود[۳].

۵-۲-۱. معیارهای تشخیص حالت خطرناک

ناگفته پیداست که ویژگی‌های خاص جوامع گوناگون، علایم و مشخصات گوناگونی را برای افراد خطرناک به دست می‌دهد و تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی بینش‌های متفاوت سیاسی باعث می‌شوند که در کنار وجوه مشترک، برخی از اهداف سیاست‌های کیفری مدیریتی جدید متفاوت باشند. بدین‌ترتیب بزهکاران خطرناک در نظام عدالت کیفری انگلستان ممکن است تفاوت‌هایی با بزهکاران خطرناک انگاشته شده در نظام عدالت کیفری ایران داشته باشند. در جامعه‌ی

۱. High Risk Society/ High Crime Society
همچنین ر.ک: پاک‌نهاد، امیر، سنجش و مدیریت ریسک جرم، همان، صص ۴۱-۷۰.

۲. See Garland, David, (2001) The Culture of Control, Oxford University Press, PP 139-192.

۳. ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، کیفرشناسی نو – جرم‌شناسی نو، همان، ص ۷۲۲.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

انگلستان افزایش میزان جرایم جنسی از یک‌طرف و التهاب شدیدی که جرایم خشونت‌بار در جامعه ایجاد می‌کند در کنار آسیب شدید که از این جرایم بر بزه‌دیدگان آن‌ها وارد می‌شود. به همراه عوامل دیگری ازجمله پوشش خاص رسانه‌ای و نحوه‌ی برخورد رسانه‌های جمعی با این دو گروه بزهکارن، مرتکبین جرایم جنسی و جرایم خشونت‌بار را به‌عنوان جرایم مشخص و تصریح شده[۱]، به‌عنوان خطرناک‌ترین بزهکاران، موضوع شدیدترین برخوردهای کیفری قرار داده است.

با این وجود قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ مقررات خاصی برای ارزیابی خطرناکی بزهکاران نیز به دست داده است. در این ارتباط قسمت b از تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۲۹ مقرر می‌دارد: هنگام بررسی اینکه آیا دادگاه می‌تواند به موجب مقررات ویژه بزهکاران خطرناک مجازاتی را تحمیل کند یا نه دادگاه بایستی در ابتدا تصمیم بگیرد که آیا خطری نسبت به اعضای جامعه به خاطر آسیب شدید حاصل از ارتکاب دوباره‌ی جرایم مشخص و تصریح شده از طرف بزهکار وجود دارد یا نه؟ چنانکه مشاهده می‌شود موضوع مورد بررسی دو قسمت دارد؛ «نخست باید احتمال ارتکاب دوباره‌ی یکی از بزه‌های مشخص و تصریح شده از طرف بزهکار ارزیابی شود و دوم اینکه ارتکاب دوباره‌ی چنین جرایمی دارای خطر اساسی آسیب شدید به اعضای جامعه باشد.»[۲] دادگاه همچنین ملزم است پیش از تصمیم‌گیری در ارتباط با اینکه آیا بزهکار خطرناک است یا نه گزارش پیش از مجازات[۳] را کسب و آن را در تصمیم‌گیری خود مورد توجه قرار دهد، مگر اینکه با توجه به اوضاع و احوال پرونده دادگاه بر این عقیده باشد که چنین گزارشی ضروری نمی‌باشد. (Ibid. p 15)

به‌طورکلی در بررسی خطرناک بودن یا نبودن بزهکار، دادگاه،

- ملزم است تمامی اطلاعات در ارتباط با ماهیت و اوضاع و احوال جرم را مدنظر قرار دهد[۴].
- می‌تواند تمامی اطلاعات در ارتباط با ماهیت و اوضاع و احوال هر جرم دیگری که بزهکار برای آن در هر کجای جهان محکوم شده است را مورد توجه قرار دهد[۵].

---

۱. Specified offences, See Criminal Justice Act 2003, Chapter 5, S 224

۲. Dangerous Offenders, Guide For Sentences and Practitioners, Sentencing Guidelines Council, Version 2; July 2008, p 15.

۳. Pre – Sentence Report. See Criminal Justice Act 2003, S 156.

۴. Criminal Justice Act 2003, S 229 (2)(a)

۵. Criminal Justice Act 2003, S 229 (2)(aa)

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

- می‌تواند هرگونه اطلاعاتی راجع به شیوه‌ی رفتاری[۱] که جرم بخشی از آن را تشکیل داده مورد توجه قرار دهد.
- می‌تواند هرگونه اطلاعاتی را در ارتباط با بزهکار مورد توجه قرار دهد[۲]. (Ibid. p 15-19)

بدین‌سان، مفاهیم خطر اساسی، پیشینه‌ی کیفری و آسیب جدی، هسته‌های اصلی مفهوم خطرناکی در رویکرد کیفری جدید امنیت‌مدار در نظام عدالت کیفری انگلستان محسوب می‌شوند.

قانونگذار ایرانی نیز تنها در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ به‌صراحت از مجرمین خطرناک نام برده است. هرچند این قانون صراحتاً نسخ شده است، اما می‌توان قائل به این بود که محتوای آن در مورد تعریف مجرم خطرناک به اعتبار خودش باقی است. طبق ماده‌ی ۱ این قانون: «... مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد، اعم از این که قانوناً مسئول باشند یا غیرمسئول ...». ماده‌ی ۵ این قانون نیز اشاره‌ای به حالت خطرناک در مجرمین به عادت دارد.

۵-۲-۲. رابطه‌ی تکرار جرم و حالت خطرناک

اگرچه بزهکاران خطرناک به‌طورکلی می‌توانند تعاریف و نمودهای ظاهری گوناگون داشته باشند[۳]، اما حالت خطرناک را بیشتر از آنکه بتوان در نحوه‌ی ارتکاب جرم و چشمان مجرم مشاهده کرد، در تکرار جرم بیشتر می‌توان حدس زد. سیاست کیفری نوین با تغییر مفهوم خطرناکی و بازتعریف آن در چهارچوب اهداف خود، بزهکاران تکرارکننده را به‌عنوان خطری برای عموم مردم موضوع مقررات خاصی قرار می‌دهد که برخی از این مقررات را می‌توان هم در نظام عدالت کیفری انگلستان و هم ایران مشاهده و پی‌جویی کرد.

یکی از شدیدترین برخوردها با تکرارکنندگان جرم را می‌توان در ماده‌ی ۲ قانون راجع به جرم (مجازات‌ها) مصوب سال ۱۹۹۷[۴] جست‌وجو کرد. در این قانون، قانونگذار کیفری، کیفرهای سالب

---

۱. Any pattern of behavior of wich the offence is part. See criminal Justice Act 2003, S 229 (2)(b)
۲. Criminal Justice Act 2003, S 229 (2)(c)
۳. See: Duff, R,A (2001), Punishment, Communication, and Community, Oxford University Press, P.P 164-174.
۴. Crime (Sentences) Act 1997 S2

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

آزادی اتوماتیک را برای تکرارکنندگان برخی جرایم خاص در نظر گرفته است. ماده‌ی ۲ قانون پیش‌گفته قضات را ملزم به تحمیل مجازات حبس ابد اتوماتیک[۱] به مجرمینی می‌نمایند که برای دومین بار[۲] محکوم به یکی از جرایم شروع به قتل[۳]، زنای به عنف، قتل غیرعمد، ایراد ضرب‌وجرح و ایراد صدمه‌ی شدید بدنی به منظور ارتکاب جرم سرقت به عنف با اسلحه واقعی یا غیرواقعی می‌گردند.

ماده‌ی ۲۲۹ از قانون عدالت کیفری مصوب سال ۲۰۰۳ نیز به تکرار جرم پرداخته و تکالیفی برای تعیین‌کنندگان کیفر از منظر دیگری در نظر گرفته است. بخش ۱۲ از قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ با عنوان تعیین کیفر[۴]، در فصل پنجم با عنوان بزهکاران خطرناک[۵] و در ماده‌ی ۲۲۹ در مقام سنجش ارزیابی خطرناکی[۶] بزهکاران، تکرار دو دسته از جرایم را به‌عنوان نشانه‌ی خطرناکی قلمداد و آنان را مشمول مقررات خاص قرار داده است. تبصره‌ی ۳ از این ماده در زمینه مقرر می‌دارد: «چنانچه هنگام ارتکاب جرم بزهکار ۱۸ ساله یا بالاتر بوده و در هر یک از بخش‌های پادشاهی متحده به دلیل ارتکاب یکی از جرایم مشخص و تصریح‌شده یک یا چند محکومیت کیفری داشته باشد، دادگاه بایستی آن را به‌عنوان خطری اساسی و مهم برای اعضای جامعه تلقی کند.»

به نظر می‌رسد که تکرار جرم می‌تواند مهم‌ترین نمود حالت خطرناک باشد. حتی، همان‌طور که در گذشته ذکر کردیم، به‌موجب ماده‌ی (۱) ۱۵۱ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰)، دادگاه می‌تواند محکومیت‌های قبلی را در تعیین شدت جرم کنونی مورد توجه قرار دهد. به عبارتی تکرار جرم، به‌عنوان عاملی مؤثر در تعیین شدت جرم ارتکابی بعدی خواهد بود.

در حقوق ایران نیز تکرار جرم باعث تشدید مجازات بعدی خواهد شد. علاوه بر قواعد عام مربوط به تکرار جرم، ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی که در سال ۱۳۸۷به قانون مجازات

---

۱. Automatic Life Sentence

۲. در واقع سیاست موسوم به "Three strikes and you are out" تبدیل به سیاست "Tow strike and you are out" شده است! برای آگاهی‌های بیشتر در ارتباط با این سیاست ر.ک:

Stolzenberg, L. and D'Alessio, S.J. (1997), Three Strikes and You are out: The Impact of Califonias New Mandatory Sentencing Law on Serious Crime Rates, Crime and Delingquency, No 43, P.P 455- 469.

۳. Attempt Murder

۴. Sentencing

۵. Dangerous Offenders

۶. The assessment of dangerousness

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

اسلامی اضافه گردید مقرر می‌داشت: «کسانی که به دلیل ارتکاب جرم عمدی حداقل دو بار سابقه محکومیت مؤثر داشته باشند در صورت ارتکاب جرم عمدی دیگر، دادگاه رسیدگی‌کننده ضمن صدور حکم می‌تواند به تناسب سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و شخصیت محکومان و علل وقوع جرم، آنان را برای مدتی که از دو سال متجاوز نباشد به اجرا یک یا چند دستور از دستورات موضوع ماده (۲۹) این قانون ملزم نماید.» امکان تبدیل این مدت به حبس بر اساس تبصره ۲ همین ماده وجود داشت. این ماده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تکرار نشد. به هر حال تشدید مجازات به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن بر اساس ماده ۱۳۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ و محدودیت اعمال تخفیف بر اساس ماده ۱۳۹۲ همین قانون، قرینه‌ای بر خطرناک بودن تکرارکنندگان جرم است.

ولی با این حال نمی‌توان همه‌ی تکرارکنندگان جرم را خطرناک محسوب کرد. درست است که صدور حکم به کیفر سالب آزادی در برابر تکرارکنندگان جرم و مجرمین خطرناک توجیه‌پذیرتر خواهد بود؛ اما این دلیل نمی‌شود که همه‌ی تکرارکنندگان جرم را خطرناک محسوب و راهی زندان کنیم. اصلی که به‌عنوان استفاده‌ی محدود از کیفر سالب آزادی ذکر کردیم، مانع از چنین رفتاری خواهد بود، به عبارت دیگر، ما استفاده از کیفر سالب آزادی را تنها در صورت اجتماع کلیه شرایط لازم برای به‌کارگیری کیفر سالب آزادی روا می‌دانیم. یعنی تنها هنگامی که جرمی شدید واقع شده باشد و مجرم خطرناک باشد و حمایت و حفاظت از عموم نیز لازم و ضروری باشد استفاده از مجازات حبس مناسب خواهد بود.

۵-۲-۳. امکان اشتباه در تشخیص حالت خطرناک

آیا تشخیص حالت خطرناک بدون اشتباه امکان‌پذیراست؟ آیا امکان ارائه‌ی تعریفی مشخص از مجرم خطرناک وجود دارد؟

باید توجه داشت که مجرمین خطرناک از دیدگاه ما با آنچه که در مکتب اثباتی درباره‌ی مجرمین خطرناک گفته می‌شود تفاوت دارد. از دیدگاه طرفداران این مکتب مسئولیت کیفری در تعریف مجرم خطرناک نقشی ندارد و تعریف ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ که به موجب قانون مجازات اسلامی جدید منسوخ شده است نیز تحت‌تأثیر همین دیدگاه، مجرمین خطرناک را کسانی می‌داند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

ارتکابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد، اعم از اینکه قانوناً مسئول باشند یا غیرمسئول.

مجرمین خطرناکی که تحت شمول «اصل به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک» قرار می‌گیرند کسانی هستند که از مسئولیت تام کیفری برخوردار هستند. حتی از نظر ما این اصل تنها در صورت ارتکاب جرایم عمدی قابل اجرا است.

منظور ما از مجرمین خطرناک در اینجا کسانی است که پس از وقوع جرم به‌لحاظ سوابق روحی و اخلاقی و کیفیت ارتکاب جرم و نوع جرم ارتکابی، در صورت حضور در جامعه احتمال ارتکاب مجدد جرم از سوی آن‌ها به‌مراتب بالا باشد. تشخیص این مراتب به دو صورت ممکن است یکی از طریق اماره‌های قانونی همچون تکرار جرم یا حرفه قرار دادن اعمال مجرمانه و ارتکاب جرایمی خاص که حالت خطرناک را به‌وضوح نمایش می‌دهد؛ مانند بمب‌گذاری. راه دیگر از طریق تشخیص موردی توسط قضات و کارشناسان خبره است. تشکیل پرونده‌ی شخصیت در تشخیص حالت خطرناک کمک فراوانی می‌کند. خوشبختانه در ماده ۲۰۳ و ۴۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و همچنین در مواد ۴۷ و ۶۴ آیین‌نامه اجرای سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ در مرحله اجرای مجازات حبس صراحتاً به تشکیل پرونده شخصیت اشاره شده است.

تشخیص حالت خطرناک مدنظر ما آن‌چنان پیچیده و فنی نیست، بلکه صرف احراز ضرورت حمایت از عموم جامعه یا عده‌ای خاص از حضور چنین فردی در جامعه و جلوگیری از رفت وآمد آن‌ها در جامعه به صورت آزادانه می‌تواند معنای خطرناک بودن این افراد باشد. از این دید، یک قاچاقچی مواد مخدر خطرناک محسوب می‌شود. چرا که حضور وی در جامعه باعث ایجاد خطر برای سلامت جوانان و بسیاری از اقشار جامعه است. ولی کسی که به خاطر فشار روانی ناشی از فحاشی طرف مقابل به نوامیس او، به وی حمله‌ور می‌شود؛ در صورتی‌که ارتکاب این عمل از سوی او بدون سابقه بوده است، از نظر هیچ‌کس آن‌چنان خطرناک نیست که مستحق دوری از بطن جامعه و تحمل مجازات حبس باشد. به‌هرحال تشخیص حالت خطرناک بیشتر از آنکه یک بحث قضایی باشد، یک بحث تخصصی است و کسب نظر کارشناس در این زمینه لازم به نظر می‌رسد. همان‌طور که در گذشته ذکر کردیم در صورت ایجاد هیئت مشورتی تعیین مجازات در حقوق ایران بسیاری از این دست مشکل‌ها کمتر مطرح خواهد شد.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

۵-۲-۴. امکان اشتباه و سوءاستفاده‌ی قضات

آیا در ضوابط ارائه شده اختیار قضات بالا نیست؟ آیا مسئولیت‌های زیادی که بر دوش قاضی در این زمینه واگذار شده است امکان اشتباه قاضی را در پی ندارد؟ پاسخ این است که این مسائل در تمام مواردی که قاضی دارای اختیارات است مطرح می‌شود. قضات بایستی مسلط و آموزش دیده باشند و امکان اشتباه قاضی در همه‌جا وجود دارد؛ ولی تمهیدات قانونی مانند تجدیدنظر از احکام و لزوم مستند و مستدل بودن آرای قضایی امکانات اشتباهات را کاهش می‌دهد. در هر صورت توجه به این نکته لازم است که ضابطه‌مند بودن بهتر از بی‌ضابطه عمل‌کردن است. ایجاد مقرراتی در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران برای محدود کردن قضات در مورد تعیین کیفر سالب آزادی به‌عنوان مجازات جرایم تعزیری، به سلیقه‌ای عمل کردن و استفاده بی‌رویه از کیفر سالب آزادی رجحان دارد.

۵-۳. لزوم اجتماع شرایط لازم برای تعیین کیفر سالب آزادی

سؤالی که مطرح می‌شود این است: چنانچه جرمی شدید واقع شود، ولی مجرم خطرناک نباشد و یا برعکس؛ مجرم خطرناک باشد ولی جرم ارتکابی شدید نباشد عکس‌العمل چه خواهد بود؟

با توضیحات گفته شده پاسخ روشن خواهد بود. اصل استفاده از کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک مانع از آن است که هر جرم شدیدی را با حبس مجرم پاسخ دهیم. چه‌بسا جرمی شدید به طور اتفاقی و بنا بر شرایط و حوادثی خارج از اوضاع و احوال عادی از جانب فردی عادی و غیرخطرناک ارتکاب یابد. حبس چنین فردی معقول نیست. حال ممکن است گفته شود، حبس نکردن چنین فردی ممکن است از دید جامعه عدم رعایت عدالت باشد. پاسخ این است که این جامعه است که به‌اشتباه عدالت را هم‌معنا با مجازات حبس می‌داند! تنوع مجازات‌ها می‌تواند بسیار گسترده باشد. همچنین جامعه بایستی نسبت به دستگاه قضا اعتماد کامل داشته باشد. اصل بر این است که در دستگاه قضایی-آنهم دستگاه قضای اسلامی- هرکس نسبت به استحقاق خود جزا می‌بیند نه نسبت به‌عنوان مجرمانه‌ی خود؛ و نحوه‌ی مجازات هر مجرم را نیز همین دستگاه تعیین می‌کند. چنانچه با این دید صحیح نگاه شود، حبس نکردن یک مجرم علی‌رغم ارتکاب جرمی شدید از ناحیه‌ی وی، امری نامعقول ارزیابی نمی‌شود.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

از سوی دیگر، به بهانه‌ی خطرناک بودن مجرم نمی‌توانیم با ارتکاب هر جرمی از سوی وی، ولو جرمی سبک، حکم به تحمل مجازات حبس بدهیم. اصل تناسب بین جرم و مجازات، ضابطه‌ی به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال جرایم شدید و اصل استفاده‌ی محدود از کیفر سالب آزادی مانع از چنین برخوردی نسبت به مجرمین خطرناک می‌شود. شاید گفته شود، ترحم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفندان! اما اینجا این‌چنین نیست، مجرمی که هنوز خطر جدی برای جامعه ایجاد نکرده است، ولو اینکه در گذشته ایجاد کرده بود، مستحق پاسخی به اندازه‌ی پاسخ ارتکاب یک جرم شدید نیست. این‌گونه برخورد باعث تعرض به حقوق و آزادی‌های افراد خواهد شد و اصولاً خطرناکی مجرم یک مفهوم نسبی است و حالتی پایدار و دائمی نیست که با فقدان نمود خارجی بارز بتوان بر وجود حتمی آن قاطعانه نظر داد.

نتیجه

در حقوق انگلستان ضرورت حمایت از عموم، معیاری مهم در اتخاذ تصمیم می‌باشد. برای تعیین مجازات حبس برای جرم ارتکابی، دادگاه می‌تواند به‌عنوان یک جایگزین مناسب شدت جرم، به مقررات (b) ۷۹۳ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) استناد نماید. از نظر حقوق انگلستان ضابطه‌ی حمایت از عموم به‌عنوان جایگزین ضابطه‌ی شدت جرم مطرح شده است؛ اما از نظر ما لزوم توجه به ضابطه‌ی حمایت از عموم، همراه و در کنار ضابطه‌ی شدت جرم ضروری است. هرچند که شدت جرم در اغلب موارد لزوم حمایت از عموم را نیز متذکر خواهد شد؛ اما چنانچه جرمی شدید واقع شود ولی دلایلی بر لزوم حمایت از عموم با به‌کاربستن کیفر سالب آزادی در اختیار نداشته باشیم، مجازاتی نابه‌جا را اجرا کرده‌ایم.

چنانچه بخواهیم در حقوق ایران ضوابطی برای به‌کارگیری کیفر سالب آزادی تعریف کنیم و در اختیار قانونگذار قرار دهیم، با در نظرگرفتن اصل تناسب بین جرم و مجازات، شدت جرم ضابطه‌ای خواهد بود که قانونگذار بایستی در درجه‌بندی جرایم مورد توجه قرار دهد. براساس کارکرد متصور برای کیفر سالب آزادی، یک ضابطه‌ی مکمل در کنار شدت جرم مورد استفاده قرار دهیم و این ضابطه «حمایت از عموم» می‌باشد. اولین اثر متصور برای کیفر سالب آزادی نیز، حتی قبل از اصلاح مجرم، حمایت از عموم می‌باشد. لازم است که کیفر سالب آزادی تنها در برابر کسانی مورد استفاده قرار گیرد که دلایلی توجیه‌کننده برای عدم حضور مجرم در جامعه داشته

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

باشیم. لزوم وجود این دلایل منتهی به لزوم به‌کار بستن ضابطه‌ی حمایت از عموم در تعیین کیفر سالب آزادی برای مرحله‌ی تقنین و لزوم اجرای اصل به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک در مرحله‌ی قضاوت خواهد شد. در مرحله‌ی قضا، همان دو ضابطه‌ی قبلی؛ یعنی شدت جرم و لزوم حمایت از عموم؛ در قالب اصلی که ما آن را «اصل به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک» می‌نامیم، متبلور خواهد شد. قاضی بایستی در راستای پیاده‌سازی منظور قانونگذار گام برداشته و با در نظر گفتن این اصل، به تکمیل ضابطه‌ی شدت جرم پرداخته و دلایل ضرورت حمایت از عموم و حالت خطرناک مجرم را احراز نماید.

مکمل «اصل تناسب بین جرم و مجازات» در تبیین ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی، اصل «به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک» است. این اصل، سودمندی اجرای اصل لزوم تناسب بین جرم و مجازات را تأمین می‌کند. اجرای این دو اصل بایستی توأمان و با یکدیگر باشد. در حقوق انگلستان، این همراهی در برخی موارد مفقود است. چنانچه جرمی شدید واقع شود، ولی مجرم خطرناک نباشد و یا برعکس؛ مجرم خطرناک باشد ولی جرم ارتکابی شدید نباشد، اصل استفاده از کیفر سالب آزادی در قبال مجرمین خطرناک مانع از آن است که هر جرم شدیدی را با حبس مجرم پاسخ دهیم. به‌عبارتی، کیفر حبس در قبال مجرم خطرناک تعیین می‌شود، نه عناوین مجرمانه‌ی خطرناک!

به این ترتیب، بر اساس فلسفه متصور و موجه برای کیفر سالب آزادی، لزوم استفاده‌ی محدود از کیفر سالب آزادی و نیز توجه به کارکرد و آثار مجازات حبس و در نظر گرفتن اصل تناسب بین جرم و مجازات، تعیین کیفر سالب آزادی به‌عنوان مجازات جرایم تنها در صورتی موجه خواهد بود که در قبال جرایم شدید ارتکاب یافته از سوی مجرمین خطرناک و با احراز لزوم حمایت[حفاظت] از عموم مورد حکم قرار گیرد.

در هر صورت لزوم گنجانیدن موادی در مورد ضوابط و شرایط تعیین کیفر، به‌ویژه کیفر سالب آزادی، در فصل سوم از بخش دوم قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۷ تا ۳۶ با عنوان «نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها») در قانون مجازات اسلامی ضروری به‌نظر می‌رسد. در زیر موادی را پیشنهاد می‌کنیم.

ماده ۳۷: «دادگاه در تعیین مجازات تعزیری بایستی سلسله مراتب مجازات‌های مذکور هر درجه را رعایت کند و تنها در صورتی می‌تواند حکم به مجازات حبس بدهد که جرم ارتکابی به تنهایی

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

یا همراه جرایم مرتبط با آن، آن‌چنان شدید باشد که سایر مجازات‌های آن درجه متناسب با شدت جرم نباشند. قاضی در تعیین شدت جرم، نحوه ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، وضعیت بزه‌دیده، کیفیات مشدده جرم و سایر اوضاع و احوال منتهی به وقوع جرم را باید بررسی کند.»

ماده ۳۸: «جز در مورد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم جنسی غیرحدی که به عنف و اکراه انجام می‌شود، سوءقصد به مقامات داخلی و خارجی، شروع به قتل، جرایم علیه امنیت اقتصادی، ایراد ضرب و جراحت عمدی، سرقت‌های مشدده، احراق و تخریب و اتلاف اموال و تکرار عمدی جرایم، صدور حکم به مجازات حبس در صورتی جایز است که قاضی به طور مستدل ضرورت حمایت از عموم را با توجه به حالت خطرناک مجرم احراز کند.

تبصره ۱: در مورد جرایم مذکور در بالا، دادگاه می‌تواند تنها با احراز شدت جرم حکم به صدور مجازات حبس بدهد و در صورت تشخیص عدم لزوم صدور مجازات حبس، اثبات خلاف آن (یعنی دلایل فقدان ضرورت حمایت از عموم) لازم نیست.

تبصره ۲: قاضی در تشخیص حالت خطرناک، مندرجات پرونده شخصیت، سوابق وخصوصیات روحی و روانی، نوع جرم، کیفیت ارتکاب جرم، میزان و شدت صدمه وارده و سایر اوضاع و احوال را در نظر خواهد گرفت و در صورت لزوم نظر اهل خبره را جویا خواهد شد.»

منابع

فارسی

کتاب ها

- آنسل، مارک (۱۳۹۱)، **دفاع اجتماعی**، ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- بادامچی، حسین (۱۳۸۲)، **سرآغاز قانون گذاری**، چاپ اول، تهران: طرح نو.
- بکاریا، سزار (۱۳۷۴)، **رساله جرایم و مجازات ها**، محمدعلی اردبیلی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بولک، برنار (۱۳۸۶)، **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- پورهاشمی، سیدعباس (۱۳۸۳)، **زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی**، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

- پیترز، ادوارد ام (۱۳۹۰)، **زندان پیش از زندان: جهان باستان و قرون وسطا**، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و فرهاد طاهری آهنگر، چاپ دوم، تاریخچه ی زندان، تهران: نشر میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، **ترمینولوژی حقوقی**، چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- خلیلی، عذرا (پاییز ۱۳۸۵)، **جایگاه زندان در اندیشه ی اسلامی**، مجله ندای صادق، شماره ۴۳.
- راوندی، مرتضی (۱۳۹۰)، **سیر قانون و دادگستری در ایران**، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۹)، **تناسب جرم و مجازات**، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- سنگلجی، محمد (۱۳۷۸)، **آیین دادرسی در اسلام**، به کوشش محمدرضا بندرچی، چاپ دوم، تهران.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۴)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- صفاری، علی (۱۳۹۰)، **کیفرشناسی**، ویرایش اول، چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات جنگل.
- صلاحی، جاوید (زمستان ۱۳۵۲)، **کیفرشناسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات آرش.
- غلامی، حسین (۱۳۸۹)، **بررسی حقوقی – جرم شناختی تکرار جرم**، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- فوکو، میشل (۱۳۹۱)، **مراقبت و تنبیه، تولد زندان**، ترجمه: نیکو سرخوش، افشین جهاندیده، ویرایش اول، چاپ دهم، تهران: نشر نی.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و لیلا مقدادی (۱۳۸۳)، **تاریخ تحولات زندان**، چاپ اول، تهران:، نشر میزان.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۳)، **جرم شناسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۹)، **فرهنگ معین**، ج ۲، چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موریس، نوروال و داوید جی روتمن (۱۳۹۰)، **تاریخچه ی زندان (سرگذشت شیوه های اعمال کیفر در جوامع غربی)**، ترجمه: محمدرضا گودرزی بروجردی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۴)، **غلط ننویسیم**، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وایت، راب و فیونا هنیز (۱۳۸۶)، **جرم و جرم‌شناسی**، ترجمه علی‌سلیمی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- وهومن، هارون (۱۳۸۶)، **دژ فراموشی، اولین زندان سیاسی تاریخ ایران**، تهران: شرکت کتاب.
- وائلی، احمد (۱۳۶۲)، **احکام زندان**، ترجمه: محمدحسن بکائی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مقالات

- اسپراک، جان (۱۳۹۰)، **چگونگی تعیین مجازات در دادگاه‌های انگلستان**، ترجمه: حجت سبزواری‌نژاد، تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵.
- ایزدی‌نسب، نقی (۱۳۴۶)، **تناسب در تعیین مجازات و رابطه از کیفر و کردار**، مهنامه قضایی، شماره ۱۴.
- داودی گرمارودی، هما (۱۳۸۴)، **مکتب نئوکلاسیک نوین و احیاء رویکرد سزادهی**، مجله دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

- صفاری، علی (۱۳۸۵)، **توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات (۲)**، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳.
- فرجیها، محمد و مهرانگیز روستایی (۱۳۹۰)، **رویکرد تطبیقی به روابط میان ارزش نیروی کار و نظام کیفری**، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۴.
- فدایی، فربد (۱۳۷۷)، **حالت خطرناک**، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره، ۲۵.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، **فلسفه مجازات‌ها در فقه کیفری اسلام**، مجله قضاوت، شماره ۵۲.
- کاتینگهام، جان (۱۳۷۶)، **فلسفه مجازات**، ترجمه: محمدرضا مظفری، مجله نقد و نظر، شماره ۱۲.
- کدیور، محسن (۱۳۷۹)، **زندان در قرآن**، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۷.
- کوادینو، دیگنان (۱۳۸۴)، **توجیه کیفر**، ترجمه: علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲.
- گودرزی، محمدرضا و عباس جوانفر (۱۳۸۲)، **نارسایی‌های زندان**، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال سوم، شماره نهم و دهم.
- ماری، فیلیپ (۱۳۸۳)، **کیفر و مدیریت خطرها: به‌سوی عدالتی «محاسبه‌گر» در اروپا**، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، مجله حقوقی دادگستری، سال شصت‌وهشتم، شماره ۴۹ و ۴۸.
- مهرا، نسرین (۱۳۸۶)، **کیفر و چگونگی تعیین آن در فرآیند کیفری انگلستان (با تکیه بر کارکردهای کیفر)**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵.
- مهرا، نسرین (۱۳۸۹)، **رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان و ولز**، فصلنامه حقوق (فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی)، دوره ۴۰، شماره ۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، **کیفرشناسی نو -جرم شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار**، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، چاپ نخست، نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران (۱۳۸۳)، **جرایم مانع (جرایم بازدارنده)**، مجلهٔ مدرس علوم انسانی، شمارهٔ ۳۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و غلامی، حسین (۱۳۷۸)، **نظریهٔ مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم**، فصلنامهٔ مدرس علوم انسانی، شمارهٔ ۴.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۷)، **اصل تناسب جرم و مجازات؛ چرائی و چگونگی آن**، نامه‌ی مفید، شماره ۶۷.

عربی

- خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، **مبانی تکلمه المنهاج**، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- طبسی، نجم‌الدین (۱۴۱۶ ق)، **موارد السجن فی النصوص و الفتاوی: دراسه تتناول موارد السجن و حقوق السجین**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

- عوده، عبدالقادر (۱۴۰۴ق)، **التشریع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی**، جلد ۱، بیروت: دارالکتاب العربی.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۰۴ق)، **فقه الامام جعفر الصادق (ع)**، ج ۵، بیروت: دارالتیار الجدید.
- نجفی قوچانی، سید محمدحسن (۱۳۸۵)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، جلد ۴۱ و ۴۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- الوائلی، احمد (بی تا)، **احکام السجون بین الشریعة و القانون**، بیروت: مؤسسه اهل‌البیت.

انگلیسی

- Ashworth, Andrew (2003), **criminal justice and deserved sentence**, Frome: punishment, bye: duff, antoney, great britian, Dartmouth.
- Ashworth, Andrew (1992), **Principles of Criminal Law**, Oxford: Clarendon Press.
- Ashworth, Andrew (1992), **principles of criminal law**, New York: oxford university press.
- Ashworth, Andrew (1992), **Sentencing and criminal justice**, London: weidenfeld and Nicolson.
- **Blackston's Guide to the Criminal Justice Act 2003** (OUP 2004)
- Dangerous Offenders (2008), **Guide for Sentences and Practitioners**, Sentencing Guidelines Council, Version 2.
- Dorn, D.M (2006), R**ecidivism Risk Assessment: Making Sense Offenders Treatment**, John Wiley & Sons Ltd.
- Duff, R, A (2001), **Punishment, Communication and Community**, Oxford University Press.
- Dunbar, I and Langdon, A (1998), **Tough Justice: sentencing and Penal polices in the 1990**, S, London: Blackstone.
- Garland, David (2001), **The Culture of Control**, Oxford University Press.
- Herring, l (2005), **Criminal Law** (4thed), Palgrave, Macmillan, chapter 8.
- Joycelyn M. Pollock (2009), **The Philosophy and History of Prisons**, Texas State University – San Marcos.
- Julian V. Roberts, **Sentencing Guidelines and Judicial Discretion**, British Journal of Criminology, 2011.
- M.C Conville, Sean, **The Victorian Prison**, In Oxford History of Prison.
- O.F.Robinson (1985), **An Introduction to European Legal History**, Abingdon, England: Professional Books.
- Pettit, P (1990), **Not Just Deserts**, Oxford University Press.
- Pieter Spierenburg, **The Spectacle of Suffering**, Cambridge, Cambridge University Press, 1984.
- Primoratz, Igor (1989), **Justifying Legal Punishment**, U.S.A, humanities press international, first publish.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]

- Robert, Julian, Stalan, Loretta (1998), **Crime, Criminal Justice and Public Opinion**, from: Crime and Punishment, By: Tonry, Michael, U.S.A, Oxford university press.
- Robinson, Paul (1997), **Structure and Function in Criminal Law**, New York, oxford university press.
- Sprack, John (2008), **A practical Approach to Criminal Procedure**, New York, oxford university press.
- Taylor, I, **Law and Order: Arguments for Socialism**, 1st Ed, Macmillan, London, 1981.
- Von Hirsch, Andrew, **From Why Punish? To How Punish? From: Punishment**, bye: Duff, Antony, Great Britain, Dartmouth,1993.
- Von Hirsch, Andrew, **proportionality in the philosophy of punishment**, crime and justice, volume 16, 1992.
- Walker, N, **Why Punish** oxford: OUP, 1991.
- Wasik, M &Taylor, R.D, B**lackstone's Guide to the CRIMINAL JUSTICE ACT 1991**, Blackstone press, limited. 1991.

مقالات انگلیسی

- Bagaric, Micro, Prop**ortinonality in sentencing: its justifivation, meaning, and role**, current issues in criminal justice, volume 12 number 2, 2000-2001.
- Bordy S.R (1996), **The Effectiveness of sentencing**, home pffice research, study, No 35, London, HMSO.
- Kury, H & Ferdinand, T (1999), **public opinion and punitivity**, International journal of law and psychiatry, Vol.22, Nos 3-4.
- M. Malcolm and Simon Jonathan (1992), **The New Penology: Notes on the Emerging Strategy of Corrections and its Implications**. Criminology, Vol 30, No 40.
- **Sentencing Guideline's Cuncil, Dangerous Offenderd, guide for sentencers and practitioners**, Version 2, Tuly 2008.
- Smith D.Z & Ashworth. Andrew (2004), **Disproportionate Sentences as Human Rights Violations**, The Modern Law Review, No 4, Volume 67.
- Sparks, R. Franklin, Genn, H. & Dodd, D (1997), **Surveying Victims: A study of the Measure ment of Criminal Victimization**, Perceptions of Crime and Attitudes to Criminal Justice, Wiley, Chichester.
- Stolzenberg, L & D' Alessie, S.J (1997), **three strikes and you'r out: the impact of California new Mandatory Sentencing Law on Serious Crime Rate**, crime and Delinqunency, No 43.
- von Hirsch, Andrew & Nils Jareborg (1991), **Gauging Criminal Harm: A Living-Standard Analysis**, Oxford Journal of Legal Studies, No 11, P 1-38.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-30]